

Modeling Key Factors Affecting the Modification of Regulation Pattern and Supervision of Pension Funds in Iran

Seyyed Mohammad Abbasnia

Corresponding Author, PhD of financial management, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran. sm.abbasnia@gmail.com

Mohammad Hashem Botshekan

associated professor, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
mh.botshekan@gmail.com

Mohammad Ali Dehghan Dehnavi

assistant professor, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
dehghandehnavi@gmail.com

Mohammad Javad Mohaghe Nia

assistant professor, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.
mgmohagh@yahoo.com

Hossein Aslipour

assistant professor, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran. Aslipour@gmail.com

Abstract

The study of pension funds in Iran shows that currently, these funds face deficit and liquidity gap due to different reasons. The challenge of the imbalance between resources and consumptions in pension funds and its negative consequences, especially the funds deficit and consequently the increased commitments of the government in this area, have made it inevitable to implement reforms in these funds. But the main question is that why these reforms have not become operational in spite of the perception of the crisis of pension funds by different actors in this area? Accordingly, and considering the complex and multidimensional nature of retirement, in order to modify the regulation structure in these funds, it is required to identify and explain the key factors affecting this structure modification and the way in which they affect this structure. Using thematic analysis method (TA) and interpretive-structural

modeling (ISM), the key factors affecting the modification of regulation pattern of pension funds were identified in this study, and by obtaining the themes network, the relationship model between effective factors was extracted at 6 levels, and finally, MICMAC method was used to measure the power of the influence and dependence of factors. Results from this study show that it is required to delegate the responsibility for management of intergenerational affairs in the field of retirement to an independent meta-power pension supervisor.

Keywords: *Pension funds, Regulation and supervision, Regulating, Social security*

JEL Classification: A13, B55, D91, H55



مدل سازی عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات گذاری و نظارت بر صندوق های بازنشستگی در ایران^۱

سیدمحمد عباس نیا

نویسنده مسئول، دکتری مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،
ایران sm.abbasnia@gmail.com

محمد هاشم بت شکن

دانشیار گروه مالی و بانکداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
mh.botshekan@gmail.com

محمد علی دهقان دهنوی

استادیار گروه مالی و بانکداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
dehghandehnavi@gmail.com

محمد جواد محقق نیا

استادیار گروه مالی و بانکداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
mgmohagh@yahoo.com

حسین اصلی پور

استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Aslipour@gmail.com

چکیده

مطالعه صندوق های بازنشستگی در اقتصاد ایران نشان می دهد که در حال حاضر این صندوق ها بنا به دلایل مختلف با کسری و شکاف نقدینگی مواجه هستند. چالش عدم تعادل بین منابع و مصارف در صندوق های بازنشستگی و پیامدهای منفی آن، به ویژه افزایش کسری صندوق ها و به تبع آن افزایش تعهدات دولت در این حوزه، اجرای اصلاحات را در این صندوق ها اجتناب ناپذیر نموده است. اما سؤال اساسی این است که با وجود درک بحران صندوق های بازنشستگی برای کنش گران مختلف این حوزه، این اصلاحات عملیاتی نشده است. بر این اساس و با توجه به ماهیت پیچیده و چندبعدی

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز [CC BY-NC-ND \(http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/\)](http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) است.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری می باشد.

بازننشستگی، جهت اصلاح ساختار تنظیم‌گری در این صندوق‌ها، لازم است عوامل کلیدی مؤثر بر این اصلاح ساختار و نحوه اثرگذاری آن‌ها شناسایی و تبیین گردد. در این مطالعه با استفاده از دو روش تحلیل مضمون (TA) و مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) عوامل کلیدی اثرگذار بر اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی شناسایی و با دستیابی به شبکه مضامین مدل ارتباطی بین عوامل مؤثر در شش سطح استخراج گردید و در نهایت جهت سنجش قدرت نفوذ و وابستگی عوامل از روش میک مک (MICMAC) استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که لازم است مسئولیت تدبیر امور بین نسلی در حوزه بازنشستگی به یک ناظر مستقل و فراقوه‌ای بازنشستگی تفویض گردد.

واژه‌های کلیدی: صندوق‌های بازنشستگی، مقررات‌گذاری و نظارت، تنظیم‌گری، تأمین

اجتماعی

طبقه‌بندی JEL: A13, B55, D91, H55

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۰ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۳

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال ۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹، صص ۳۵۹-۴۰۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌ها در ساخت و کارکرد دولت در دوران مدرن را می‌توان نقش و جایگاه دولت در حوزه تدوین سیاست‌های اجتماعی دانست، تا جایی که برخی اندیشمندان، سیاستگذاری اجتماعی را مسأله محوری دولت مدرن می‌دانند. (هزارجریبی و امامی غفاری، ۱۳۹۸) از جمله مهم‌ترین سیاست‌های اجتماعی در کشورهای مختلف، سیاست‌های مرتبط با رفاه عمومی است. رفاه عمومی، مهم‌ترین هدف هر نظام اقتصادی، به ویژه نظام اقتصاد علوی است و اگر این هدف در برخی نظام‌هایی که به اصالت فرد قایل هستند، همخوانی با مبانی اعتقادی و فلسفی ندارد، در اقتصاد علوی بین مبانی و اهداف آن هماهنگی کامل وجود دارد. (صادقی شاهدانی و محسنی، ۱۳۹۲)

در سیاست‌های مرتبط با حوزه رفاه عمومی، موضوع بیمه‌های بازنشستگی در ایران با توجه به چالش‌های صندوق‌های بازنشستگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چالش‌های متعدد پیش روی صندوق‌های بازنشستگی در کشور از جمله تغییرات جمعیتی و افزایش عمر، پیشی گرفتن تعداد مستمری‌بگیران از تعداد شاغلین، بدهی‌های دولت به صندوق‌های بازنشستگی، عدم مدیریت سرمایه‌گذاری کارآمد وجوه بازنشستگی و غیره، بازنگری جدی در ساختار اداره صندوق‌های بازنشستگی را لازم می‌آورد. (صفری، ۱۳۹۵) مسأله عدم تعادل بین منابع و مصارف صندوق‌های بازنشستگی و فزونی گرفتن مصارف بر منابع و یا به عبارتی از دست دادن کارکرد صندوق برای صندوق‌های بازنشستگی، به موضوعی قابل تعامل در محافل علمی کشور تبدیل شده است، به طوری که موضوع صندوق‌های

بازنشستگی یکی از محورهای اساسی مورد بررسی در برنامه ششم توسعه بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد در صورتی که اصلاحات اساسی در این صندوق‌ها صورت نپذیرد، در آینده‌ای نه چندان دور، کسری صندوق‌های بازنشستگی می‌تواند بحران‌های اساسی برای کشور ایجاد کند. (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۶) در این راستا، اگرچه مدیریت و مداخله دولت در امور صندوق‌های بازنشستگی، با مزایایی همچون تأمین درآمد بازنشستگی در لایه نخست طرح‌های تأمین اجتماعی همراه است، اما واقعیت آن است که پیامدهای منفی دخالت دولت بیشتر از مزایای آن است و عملکرد صندوق‌های بازنشستگی را دستخوش تهدید جدی نموده است. به عنوان مثال، با افزایش حقوق کارمندان بدون در نظر گرفتن اقتضائات درآمدی صندوق‌های بازنشستگی از جانب دولت و مجلس، منجر به پدید آمدن عدم توازن در منابع و مصارف صندوق‌ها شده و مدیریت آن‌ها را دچار چالش می‌کند. (صفری، ۱۳۹۵) این چالش در حالی است که در اغلب کشورهای جهان، صندوق‌های بازنشستگی از مهم‌ترین واسطه‌های مالی محسوب شده و به دلیل ویژگی خاص منابعشان که مهم‌ترین آن افق بلندمدت جمع‌آوری منابع و البته تعهدات مربوط در قالب مستمری است، تفاوت‌هایی با سایر واسطه‌های مالی دارند. همین امر سبب شده است که در نبود یک نهاد ناظر، ردپای سرمایه‌گذاری منابع عظیم این صندوق‌ها در بیشتر حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری از بازار سهام و مستغلات گرفته تا شرکت‌های بیمه و بانک‌ها گسترده شده و به دنبال آن درهم‌تنیدگی صندوق‌های بازنشستگی با کل نظام مالی کشور به حدی بالا باشد که در عمل هر چالشی در زمینه منابع و مصارف آن‌ها به صورت عاملی برای ریسک سیستمیک^۱ ظاهر شده و خطر بی‌ثباتی مالی در کل نظام مالی را افزایش دهد. (ابراهیمی و همتی، ۱۳۹۷) علاوه بر این، با توجه به اینکه این صندوق‌ها ابزاری برای تأمین آتیه تمام یا حداقل بخش عمده‌ای از جمعیت کشور می‌باشند، عملکرد وضعیت مالی آن‌ها بر آینده میلیون‌ها نفر تأثیر داشته و می‌تواند پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی در برداشته باشد. بنابراین اداره‌ی مؤثر این

صندوق‌ها، تعیین خط‌مشی‌های مناسب بازنشستگی و نظارت بر فعالیت آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (روشنی، ۱۳۹۵) بر این اساس، موضوع تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی و ایجاد مقام ناظر بر این صندوق‌ها جهت اداره مؤثر و اصلاح ساختار حکمرانی آن‌ها از ضروریات مورد تأکید سازمان‌های داخلی و بین‌المللی است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶ و گزارش صندوق بین‌المللی پول، ۱۳۹۶)

ساختار حکمرانی صندوق‌های بازنشستگی، امری تک بعدی نیست و عوامل و پارامترهای چندگانه‌ای بر آن تأثیر دارند. برخی از این عوامل به طور کلی در دستورالعمل‌ها و رهنمودهای ارایه شده توسط انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی (ISSA) به عنوان مهم‌ترین نهاد فعال بین‌المللی در حوزه تأمین اجتماعی، متمرکز بر پنج اصل پاسخ‌گویی، شفافیت، مشارکت، پویایی و قابلیت پیش‌بینی در سازمان‌های تأمین اجتماعی معرفی شده‌اند. (طاهری و حاجی‌قربانی، ۱۳۹۵) اما نکته حایز اهمیت آن است که متولی اجرای این دستورالعمل‌ها جهت تحقق حکمرانی خوب در صندوق‌های بازنشستگی چه نهادی است؟ چه نهادی وظیفه مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌ها را جهت تحقق حکمرانی خوب و با هدف استمرار پایداری این صندوق‌ها بر عهده دارد؟ بسیاری از کشورها در حوزه صندوق‌های بازنشستگی، دارای نهاد ناظر متمرکز یا غیرمتمرکز هستند. اگرچه این ساختار، بنا بر نوع شرایط حقوقی و اقتصادی آن‌ها ممکن است از حیث ارتباطی که با سایر نهادهای ناظر در بازارهای مالی دارد متفاوت باشد، اما در هر حال یک نهاد ناظر که نقش تنظیم‌گری^۱ را ایفا نماید و بر اجرای استانداردهای بین‌المللی، از قبیل رهنمودهای حکمرانی انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی نظارت نماید و یک وحدت رویه را در راهبری صندوق‌های بازنشستگی ایجاد کند، وجود دارد. (روشنی، ۱۳۹۵؛ بت‌شکن و همکاران، ۱۳۹۶) در چنین شرایطی اگر بخواهیم نقصان وجود یک نهاد ناظر مستقل در ساختار صندوق‌های بازنشستگی ایران را مرتفع سازیم؛ ضروری است تا در ابتدای امر ساز و کار ایجاد چنین نهادی و

عواملی که بر اصلاح ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌ها را به دقت بررسی نماییم. اگر بتوانیم پیش از ایجاد یک نهاد ناظر بر صندوق‌ها، عواملی را که بر اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌ها شامل مقررات‌گذاری و نظارت بر آن‌ها را شناسایی نماییم، احتمالاً می‌تواند از وقوع پدیده «شکست هماهنگی»^۱ تا حد زیادی جلوگیری نماید.

علاوه بر این، قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ برای نظام بیمه‌ای بازنشستگی کشور، سه هدف همگانی بودن، انسجام و هماهنگی و اجباری بودن را معین کرده است و بر طبق این قانون یک لایه همگانی و عمومی باید وجود داشته باشد که در این لایه و رویه‌های یکسان برای گروه‌های مختلف شاغلان و بازنشستگان اعمال شود. اما آنچه امروز در کشور دیده می‌شود، فاصله معناداری با این هدف دارد و صندوق‌های بازنشستگی مختلف کشور، نه تنها از قوانین یکسان پیروی نمی‌کنند، بلکه در یک صندوق نیز تفاوت قوانین بین گروه‌های مختلف بسیار چشمگیر است و در عمل وحدت رویه‌ای در مقررات‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی کشور وجود ندارد. (گلاب، ۱۳۹۷)

این‌گونه موارد حاکی از آن است که عواملی بر ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی اثرگذار هستند و جهت انجام هر نوع اقدام اصلاحی در ساختار این صندوق‌ها، عوامل مذکور بایستی به دقت شناسایی شوند. با توجه به آن‌که برخی از عوامل مؤثر بر اصلاحات ساختاری، به ویژه در حوزه‌هایی که با سیاست‌گذاری اجتماعی قرابت دارد، بسته به زیرساخت‌های فرهنگی، حقوقی و اقتصادی کشورها ممکن است منحصر به فرد باشند؛ لذا احصای این عوامل نیازمند بررسی در بستر بومی کشورها است. بر این اساس، در این مطالعه قصد داریم به شناسایی و تبیین ارتباط بین عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی بپردازیم. لذا در ابتدا به مرور مطالعات انجام شده و پیشینه تحقیق پرداخته و سپس مبانی نظری تحقیق بیان شده و در ادامه به روش پژوهش و یافته‌های تحقیق می‌پردازیم و در نهایت نتیجه‌گیری

و پیشنهادات آرایه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

به طور کلی در زمینه تبیین تحولات نهادهای مرتبط با رفاه و سیاست‌های اجتماعی در ایران، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. در خصوص مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی نیز پژوهش‌های کمتری با توجه به مبانی نظری و روشی حوزه تنظیم‌گری انجام شده است. با این وجود، در بررسی پیشینه تحقیقات صورت گرفته دو دسته مطالعه وجود دارد: مطالعاتی که به موضوع مقررات‌گذاری و نظارت پرداخته‌اند و دسته دوم مطالعات محدودتری را شامل می‌شود که موضوع نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی را تبیین می‌کند. در این دسته مطالعات می‌توان به پژوهش‌های صفری (۱۳۹۵)، روشنی (۱۳۹۵)، ابراهیمی و همتی (۱۳۹۷) اشاره کرد. در جدول ۱ برخی از تحقیقات مرتبط به طور خلاصه بررسی می‌گردد.

جدول ۱. پیشینه‌ی پژوهش

عنوان پژوهش	هدف پژوهش	خلاصه و یافته‌های پژوهش	منبع
چرا نهادهای مالی باید شامل سیاست و مقررات باشند؟	طراحی یک نقشه راه برای بورس و نهادهای مالی از جمله تأمین اجتماعی و بازنشستگی و سایر سازمان‌های فعال در این حوزه	بر اساس مدل کمی به شواهدی دست یافت که سیاست و مقررات مالی از مقام دولت و همکاری دولت با سازمان‌های بین‌المللی و سایر ایالت‌ها پیروی می‌کند.	کلی، ۲۰۱۶
تجزیه و تحلیل مقررات‌گذاری برای ارائه خدمات عمومی صندوق‌های بازنشستگی فدرال روسیه	بررسی آیین‌نامه‌های اداری برای ارائه خدمات عمومی توسط صندوق بازنشستگی فدراسیون روسیه برای رعایت قوانین حقوقی نظارتی صندوق‌های فدراسیون روسیه	این مقاله به آیین‌نامه‌های اداری برای ارائه خدمات عمومی توسط صندوق بازنشستگی فدراسیون روسیه برای رعایت قوانین حقوقی نظارتی صندوق‌های فدراسیون روسیه می‌پردازد و بر شکل الکترونیکی تعامل بین دولت و افراد تأکید شده است.	کولماکوو، ۲۰۱۹
بررسی سالانه قوانین سرمایه‌گذاری در صندوق‌های بازنشستگی	معرفی مقررات سرمایه‌گذاری کمی صندوق‌های بازنشستگی در کشورهای عضو OECD و IOPS	مقررات ممکن است برحسب انواع طرح (شغلی، شخصی، اجباری، اختیاری، DB و DC) متفاوت باشد. در این رابطه لیست جداول انواع طرح‌ها که مقررات سرمایه‌گذاری برای آن وضع می‌شود، ارائه می‌گردد. اطلاعات جمع‌آوری شده در این مطالعه، همه اشکال محدودیت‌های کمی سبد سرمایه‌گذاری (حداقل و حداکثر) که در سطوح مختلف قانونی (قانون، مقررات، دستورالعمل‌ها و غیره...) در صندوق‌های بازنشستگی به	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۵

<p>بانک جهانی، ۲۰۰۳</p>	<p>کار گرفته می‌شود، در نظر می‌گیرد. این گزارش در ۸ بخش تنظیم شد. بخش اول زمینه مورد مطالعه را معرفی می‌کند. بخش دوم مروری کلی بر سیستم بانزنتستگی ایران دارد. بخش سوم و چهارم سازمان تأمین اجتماعی و سازمان بانزنتستگی کشوری را بررسی می‌کنند. بخش پنجم بر رفتار مالیاتی ذخایر بانزنتستگی تمرکز دارد. بخش ششم چارچوبی را برای بازسازی سیستم بانزنتستگی ارائه می‌دهد که انواع مکانیزم‌های بانزنتستگی را نشان می‌دهد و تجارب بین‌المللی را بررسی می‌کند. بر مبنای چارچوب بخش قبل در بخش هفتم جهت‌گیری استراتژیک را برای اصلاح و بازسازی سیستم بانزنتستگی ایران ارائه می‌دهد و کاربردهای مالی و مالیاتی را بیان می‌کند و در نهایت در بخش هشتم مطالعه به اقتصاد سیاسی اصلاح بانزنتستگی اشاره کرده و پیشنهادات لازم را برای طراحی و پیاده‌سازی برنامه اصلاح موفق نظام بانزنتستگی معرفی می‌کند.</p>	<p>سیستم بانزنتستگی در ایران: چالش‌ها و فرصت‌ها بهبود توسعه، مکانیزم مالی، مشوق‌ها، حقوق صاحبان سهام، مدیریت</p>
<p>راجکومار، ۲۰۱۲</p>	<p>به تبیین پیشینه‌ی خزانه‌داری این بانک، بانگری صندوق بانزنتستگی آن و چارچوب سرمایه‌گذاری صندوق بانزنتستگی از جمله ساختار حکومت، سیاست سرمایه‌گذاری، مدیریت سرمایه، مدیریت ریسک، اندازه‌گیری عملکرد، حسابرسی و گزارش‌دهی و تکنولوژی اطلاعات پرداخته است.</p>	<p>ایجاد یک ساختار حکومتی است که به سهام‌داران برای دارایی‌هایشان اطمینان دهد و آنان را به سرمایه‌گذاری تشویق کند و نیز قابلیت پاسخگویی نتایج را داشته باشد.</p>
<p>دانیوا، ۲۰۰۹</p>	<p>تجدید ساختار بانزنتستگی در بلغارستان را مهم می‌داند و بلغارستان یکی از اولین کشورها در اروپای شرقی است که از دهه ۱۹۹۰ به تجدید ساختار بانزنتستگی اقدام کرده است</p>	<p>تجدید ساختار بانزنتستگی بلغارستان</p>
<p>روشا و همکاران، ۱۹۹۹</p>	<p>تقویت حکومت و ظرفیت سیستم مدیریت ریسک ضروری است و نه تنها قوانین ورود آسانتر نهادها و کاهش هزینه‌ها را منجر می‌شود بلکه قوانین سرمایه‌گذاری منعطف‌تر را معرفی کرده و فرصت‌هایی را برای بازگشت بالاتر فراهم می‌کند.</p>	<p>بررسی چارچوب قانونی برای صندوق‌های بانزنتستگی و میزان بهبود مقررات بانزنتستگی در صنعت بانکی</p>
<p>آماتایو جوئن کالی، ۲۰۱۹</p>	<p>این تحقیق برای کمک به انتخاب بهینه صندوق در بین صندوق‌های موجود در طرح بانزنتستگی مشارکتی (CPS) در نیجریه، مدل انباشت پویا (DAM) و مدل کاهش خطر (RMM) را به منظور مشکل امنیت یا عدم اطمینان مبلغ سرمایه‌گذاری شده توسعه داده و اصلاح کرده است.</p>	<p>بررسی طرح‌های بهینه صندوق‌های بانزنتستگی در نیجریه</p>
<p>جلیلی، ۱۳۸۸</p>	<p>به دلیل مشابهت اصول و راهکارهای پیشنهادی توسط سازمان‌های بین‌المللی، به طور خاص رهنمودهای سرمایه‌گذاری انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی^۱ در سال ۲۰۰۴ و بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ را مورد بررسی قرار می‌دهد.</p>	<p>بررسی راهکارها و رهنمودهای حاکم بر مقوله‌ی سرمایه‌گذاری صندوق‌های بانزنتستگی</p>

<p>زاده غلام، ۱۳۹۰</p>	<p>در سال ۱۳۹۰ با توجه به پیش‌بینی تشکیل صندوق‌های بازنشستگی خصوصی و همچنین طرح‌های حساب انفرادی در کشور، حسب مفاد برنامه پنجم توسعه کشور (مواد ۳۱-۳۶) و ضرورت نظارت بر این صندوق‌ها و طرح‌ها، اصول و ضوابط فوق‌الذکر را مد نظر قرار داده است</p>	<p>منابای بر تبیین فعالیت‌های مرجع نظارت بر امور بازنشستگی در کشور</p>	<p>مراجع نظارت بر بازنشستگی‌های خصوصی چه ویژگی‌هایی بایستی داشته باشند؟ اصول پیشنهادی سازمان بین‌المللی ناظران حقوق بازنشستگی IOPS</p>
<p>عبداله میلانی، ۱۳۸۰</p>	<p>یک فرضیه این مطالعه این است که سیستم به کاهش فقر و حفظ استانداردهای زندگی افراد در سنین بازنشستگی منجر شده است. فرضیه دیگر این است که هزینه‌های تأمین اجتماعی در کل توانسته است بر توزیع درآمد جامعه اثر مثبت داشته باشد.</p>	<p>اهمیت پرداختن به چالش‌های نظام اجتماعی</p>	<p>تأمین اجتماعی و آثار توزیعی آن بر اقتصاد ایران</p>
<p>چهارمحالی، ۱۳۸۸</p>	<p>شناخت انواع مختلف سیستم‌های بازنشستگی و بررسی چالش‌های موجود در سیستم دولتی کنونی و بررسی انواع اصلاحات صورت گرفته در مورد این صندوق‌ها</p>	<p>پیشنهاد بهترین روش برای اصلاح نظام بازنشستگی کشور</p>	<p>امکان‌پذیری ایجاد صندوق بازنشستگی خصوصی در ایران با مطالعه چند کشور منتخب</p>
<p>جلیلی، ۱۳۸۸</p>	<p>در این تحقیق، ضمن بیان راهکارهای اصلاح این سیستم‌ها، نظام بازنشستگی چندلایه به عنوان رویکرد پیشنهادی مطرح شده است. همچنین پیش‌نیازها و عوامل مؤثر در تسهیل پیاده‌سازی و اجرای این سیستم به جای سیستم ناکارای فعلی شناسایی شده‌اند. این عوامل که به دو دسته‌ی عوامل برون‌زا (شرایط خاص کشور، شرایط اقتصاد کلان، آمادگی نهادهای مالی، تقویت رویه‌های نظارتی، تقویت رویه‌های قانونگذاری) و درون‌زا (ثبات مالی سیستم جدید، وجود ضمانت و اطمینان، شفافیت و افشای اطلاعات، تقویت حاکمیت، تقویت فرایند سرمایه‌گذاری و توان اداری و اجرایی) تقسیم شده‌اند.</p>	<p>لزوم ایجاد اصلاحات در نظام بازنشستگی ایران</p>	<p>اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تسهیل اجرای سیستم چندلایه در صندوق بازنشستگی کشوری</p>
<p>قاسمی زارع، ۱۳۹۴</p>	<p>نتایج تحقیق به این صورت بوده است که بین متغیرهای مستقل پایگاه اجتماعی - اقتصادی، میزان برخورداری از حمایت اجتماعی، با متغیر وابسته سلامت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.</p>	<p>بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با سلامت اجتماعی بازنشستگان، دستیابی به نتایج موجود درباره وضعیت جامعه مورد مطالعه و شناسایی میزان و چگونگی عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با سلامت اجتماعی در جامعه مورد مطالعه</p>	<p>عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با سلامت اجتماعی بازنشستگان موردی: بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی شهر تهران</p>
<p>صفری، ۱۳۹۵</p>	<p>طرح‌های بازنشستگی ترکیبی، خالص جریان وجه نقد طرح طی سال‌های مورد مطالعه، نه تنها از ارزش منفی برخوردار نبود که روندی افزایشی نیز داشت.</p>	<p>امکان سنجی پیاده‌سازی طرح‌های بازنشستگی خصوصی ترکیبی از دو بعد مالی و فقهی</p>	<p>بازطراحی طرح‌های بازنشستگی خصوصی ترکیبی در ایران</p>
<p>روشنی، ۱۳۹۵</p>	<p>صندوق‌های بازنشستگی در ایران فاقد نهاد ناظر متمرکز هستند. لذا ضرورت دارد که قوانین و مقررات نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی تدوین و ساختار نظارتی مناسبی برای اجرای آن‌ها طراحی شود که به نظر می‌رسد بهتر است به صورت تخصصی بر فعالیت</p>	<p>بررسی ساختار سیستم بازنشستگی در ایران و نظارت بر آن</p>	<p>نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی</p>

صندوق‌های بازنشستگی نظارت شود.

<p>ابراهیمی و همتی، ۱۳۹۷</p>	<p>پیشنهاد می‌شود دو نهاد ناظر در سطح خرد و کلان برای صندوق‌های بازنشستگی به وجود آید که در سطح خرد «شورای عالی بیمه و بازنشستگی» با ورود نمایندگان صندوق‌ها و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در «شورای عالی بیمه» می‌تواند شروع به کار کند و در سطح کلان با تعریف یک نهاد بالادستی برای این شورا و شوراهای عالی پول و اعتبار، بورس و معماری و شهرسازی؛ «شورای عالی سیاستگذاری احتیاطی» با به عرصه وجود بگذارد که مسئول نظارت کلان بر تقریباً تمام اجزای سیستم مالی از جمله صندوق‌های بازنشستگی باشد و با نظارت بر کارکرد این اجزا بتواند از به خطر افتادن ثبات مالی جلوگیری نماید.</p>	<p>نقش و اثرگذاری صندوق‌های بازنشستگی در ثبات مالی اقتصاد ایران؛ لزوم شکل‌گیری مقام ناظر در سطح خرد و کلان در سیستم صندوق‌های بازنشستگی ایران</p>
------------------------------	--	---

منبع: نتایج تحقیق

با مرور بر پیشینه تحقیق می‌توان بیان کرد که ایران فاقد الگوی مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی بوده و این موضوع مهم نیازمند شناسایی عوامل مؤثر بر آن جهت تقویت این عوامل می‌باشد. لذا از این جهت که این مقاله به شناسایی این عوامل می‌پردازد، دارای نوآوری می‌باشد.

مبانی نظری

حق برخورداری از تأمین اجتماعی در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و قوانین اساسی بسیاری از کشورها مورد تأکید قرار گرفته است و امروزه این حق که گاه از آن با عنوان «حق شهروندی اجتماعی»^۱ نیز یاد می‌شود، در عمل در میان ملل متمدن به عنوان یکی از حقوق غیرقابل سلب انسان تثبیت شده است. (بادینی، ۱۳۸۷؛ نادران و همکاران، ۱۳۹۰) در این راستا، اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازنشستگی و تأمین اجتماعی را به رسمیت شناخته و از آن‌ها به عنوان حقی برای مردم و تکلیفی برای دولت یاد نموده است. (میر و همکاران، ۱۳۹۳؛ منصور، ۱۳۷۹؛ صفار، ۱۳۷۹)

در این راستا، صندوق‌های بازنشستگی بخشی از راهبرد بیمه‌ای نظام تأمین اجتماعی هستند که در قالب نهادهایی مالی باید با به کارگیری وجوه حق بیمه

افراد و سرمایه‌گذاری آن، بازده مناسبی از سرمایه‌گذاری کسب نموده و با پرداخت مستمری بازنشستگی و ایفای تعهدات خود در قبال بازنشستگان و مستمری‌بگیران، نامنی اقتصادی و عدم اطمینان از درآمد بازنشستگان را کاهش دهند. (یوسفی قلعه رودخانی، ۱۳۹۶؛ میر و همکاران، ۱۳۹۳؛ Beetsma et Al, 2014) لذا از دو جهت حاد اهمیت هستند؛ اول اینکه ابزاری برای تأمین مالی بخش عمده‌ای از جمعیت کشور محسوب می‌شوند و دیگر آن که این صندوق‌ها، با توجه به حجم و منابع دارایی‌ها، نقش عمده‌ای را در بازارهای مالی و سرمایه عهده‌دار هستند. به تبع این جایگاه، توجه به موضوعاتی نظیر تدوین مقررات، نظارت مؤثر و تعریف ساختار سازمانی و عملیاتی کارا و همچنین توجه به مقولاتی چون استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک در آن‌ها، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. (Claudio et Al, 2008) چالش‌های ناشی از ناپایداری صندوق‌ها که می‌تواند دلایلی از قبیل افزایش نسبت تعداد سالمندان به جمعیت فعال و یا وجود سیستم‌های ناکارآمد دولتی، داشته باشند و باعث وارد آمدن فشارهای مالی به صندوق‌ها گردند، ممکن است تا جایی افزایش پیدا کنند که نه تنها امکان تأمین آن‌ها برای صندوق‌های بازنشستگی غیرممکن باشد، بلکه حتی برای دولت‌ها نیز دشوار شود. دامنه‌ی تبعات چنین بحرانی، می‌تواند از بخش‌های مختلف اقتصادی تا پیامدهای سیاسی و اجتماعی را شامل شود. (پورموسی و همکاران، ۱۳۹۳؛ روغنی زاده، ۱۳۸۷؛ ملامحمدی و همکاران، ۱۳۹۳) در ایران، بر اساس پیش‌بینی و محاسبات بانک جهانی، با توجه به رشد سریع تعداد مستمری‌بگیران (۹٪ در سال)، تعهدات بیمه‌ای تأمین نشده صندوق بازنشستگی کشوری در دوره سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۴۹ معادل ۳۵٪ و برای سازمان تأمین اجتماعی ۱۴۰٪ تولید ناخالص داخلی خواهد بود. این بدهی‌های تأمین نشده، وضعیت مالی نظام و وضعیت رفاهی اعضا را به شدت تهدید می‌کند. (جلیلی و مسلمی، ۱۳۹۳؛ بانک جهانی، ۲۰۰۳) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارشی که سال ۱۳۹۶ با موضوع بررسی وضعیت سازمان تأمین اجتماعی و ضرورت اصلاحات بنیادی در

آن منتشر نمود، تصریح می‌کند که در صورت تداوم شرایط جاری در سازمان تأمین اجتماعی، طی ۸ سال آتی، کل کسری نقدینگی سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۴۰۴ قریب به ۱۱۹ هزارمیلیارد تومان خواهد رسید. البته در این گزارش آمده است که با توجه به تضمین دولت مبنی بر جبران کسری صندوق‌های بازنشستگی عمومی در ایران در راستای تعهدات آتی، بحران در صندوق‌های بازنشستگی عمومی کشور به معنای ورشکستگی آن‌ها نبوده، بلکه به معنای افزایش وابستگی آن‌ها به بودجه دولتی است (گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۶) و این موضوع به معنای بزرگتر شدن اندازه دولت و افزایش هزینه‌های عمومی کشور خواهد بود که دقیقاً در جهت خلاف بند ۱۶ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری مبنی بر صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور و منطقی‌سازی اندازه دولت است. (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲) در گزارشی که وزارت امور اقتصادی و دارایی در سال ۱۳۹۵ منتشر کرد نیز بر این موضوع تأکید گردید که در صندوق‌های بازنشستگی ایران، فقدان نهاد ناظر یا تنظیم‌گر متمرکز از جمله دلایل اصلی ایجاد بحران صندوق‌های بازنشستگی است که طی چند سال اخیر فقط موظف به ارائه گزارش به سازمان بورس شده‌اند و در عمل گزارشی به سازمان بورس نیز ارائه نکرده‌اند. (روشنی، ۱۳۹۵) این در حالی است که بازنگری و ارتقای سطح سیستم مقررات‌گذاری و حاکمیت شرکتی در صندوق‌های بازنشستگی به عنوان یک نهاد اقتصادی، برای فراهم کردن بستر جذب سرمایه‌های خارجی و داخلی در راستای رشد اقتصادی کشورها امری ضروری به نظر می‌رسد. (Kogut and Spicer, 2002 & Gentzoglani, 2007) نظارت بر بازنشستگی، شامل نظارت بر نهادهای بازنشستگی، چگونگی پایبندی به مقررات مربوط به ساختار و عملکرد طرح‌های صندوق‌های بازنشستگی، با هدف ارتقای عملکرد بخش بازنشستگی است، که در نتیجه سبب ثبات اقتصادی می‌شود. نوع ساختار نظارتی صندوق‌های بازنشستگی در بین کشورها متفاوت است. زیرا هر کشوری متناسب با شکل ماهیت دولت، سطح و توسعه اقتصادی و ساختار بازنشستگی خود، ساختار نظارتی طراحی می‌کند

وساختار یکسانی برای این منظور وجود ندارد. (روشنی، ۱۳۹۵؛ Kelly, 2016 & IOPS, 2015) به عنوان مثال در کشور انگلستان از تاریخ ۶ آوریل ۲۰۰۵ کلیه‌ی صندوق‌های بازنشستگی مبتنی بر کار^۱ زیر نظر قانون‌گذار صندوق‌های بازنشستگی^۲ هستند. پیش از این، نهادی تحت عنوان OPRA^۳ این مسئولیت را برعهده داشت. مقام ناظر صندوق‌های بازنشستگی در انگلستان بخشی از بدنه‌ی عمومی است که مستقل از دولت عمل می‌کند. (Stewart, 2010) جدول ۲ ساختار نظارتی بر صندوق‌های بازنشستگی را در برخی کشورهای منتخب، نشان می‌دهد.

جدول ۲. ساختار نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی در کشورهای منتخب

ساختار نظارتی تخصصی	ساختار نظارتی نیمه‌یکپارچه (حداقل صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ها)	ساختار نظارتی یکپارچه (صندوق‌های بازنشستگی، بیمه‌ها، بازار سرمایه و احتمالاً بانک‌ها)
-	فنلاند	استرالیا
شیلی	فرانسه	بلغارستان
کاستاریکا	لوکزامبورگ	کانادا
هند	پرتغال	دانمارک
ایرلند	اسپانیا	آلمان
ایتالیا	ترکیه	اسرائیل
انگلستان	زامبیا	جامایکا
امریکا	اردن	قزاقستان
نیجریه	بلژیک	کره جنوبی
مکزیک		هلند
کنیا		پاکستان
ژاپن		لهستان
هنگ کنگ		اسلواکی
		آفریقای جنوبی
		تایلند
		ایسلند
		کرواسی

Source: World Bank group, 2015

چالش مقررات‌گذاری و نظارت در سیستم بازنشستگی کشور جمهوری اسلامی ایران نیز به طور جدی وجود دارد. (جلیلی، ۱۳۸۸) مرور قوانین و مقررات وضع شده در ایران در حوزه رفاه و بیمه‌های اجتماعی حاکی از عدم توازن در وضع

1. work-based
2. Pension Regulator
3. Occupational Pensions Regulatory Authority

برخی قوانین و مقررات این حوزه است. به طوری که در پاره‌ای از بخش‌ها قوانین زیادی وضع شده و در برخی موضوعات نیازمند قانون جدید هستیم. تورم قوانین و تناقض برخی قوانین این بخش با یکدیگر می‌تواند باعث سردرگمی مجریان، پایین آمدن ضریب امنیت، از دست رفتن اعتماد اجتماعی، پایین آمدن مشارکت اجتماعی و سست شدن انسجام اجتماعی گردد. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴ و پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۵) همان طور که پیش از این به آن اشاره شد، صندوق‌های بازنشستگی مختلف کشور، نه تنها از قوانین یکسان پیروی نمی‌کنند، بلکه در یک صندوق نیز تفاوت قوانین بین گروه‌های مختلف بسیار چشمگیر است و در عمل وحدت رویه‌ای در مقررات‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی کشور وجود ندارد (گلاب، ۱۳۹۷) و صندوق‌های بازنشستگی در ایران از فقدان نهاد تنظیم‌گر رنج می‌برند. موضوعی که با تلاطم‌های اقتصادی غیرقابل پیش‌بینی در کشور و ضرورت قوانین نظارتی جدی‌تر برای این صندوق‌ها، بیش از پیش احساس می‌شود.

در اینجا لازم است با توجه به مفاهیم مجاور در ترمینولوژی تنظیم‌گری، جهت تعریف عملیاتی مطالعه‌ی حاضر از مفاهیم تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری و نظارت، به این نکته اشاره گردد که در ادبیات حقوقی فارسی حوزه‌ی تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری، لفظ مشترک Regualtion برای دو مفهوم مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری استفاده می‌شود که می‌تواند ناشی از به کارگیری این لفظ به صورت مشترک در ادبیات حقوقی انگلیسی باشد. این درحالی است که در زبان فرانسه، برای مقررات‌گذاری کلمه‌ی مستقل Réglementation به عنوان یک الگو و روش خاص برای ورود و دخالت دولت در اداره‌ی امور عمومی در برخی بخش‌ها استفاده می‌شود (یاوری، ۱۳۹۳)، لذا مجاورت دو اصطلاح مقررات‌گذاری و نظارت می‌تواند معادل جامع‌تری برای مفهوم تنظیم‌گری (Regulation) باشد. توجه به ترمینولوژی تنظیم‌گری و مقررات‌گذاری، با توجه به ارتباط وثیقی که این موضوع در اقتصاد با مقوله حقوق دارد، می‌تواند برخی ابهامات را در شناخت دقیق‌تر عوامل مؤثر بر آن مرتفع سازد. البته ذکر این نکته ضروری است که نبود

ترمینولوژی منجز، یکی از کمبودهای جدی این حوزه به شمار می‌آید. (یاوری، ۱۳۹۳؛ منوری و راسخ، ۱۳۹۶؛ شفیعی سردشت و همکاران، ۱۳۹۷).

در خصوص مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی و عوامل مؤثر بر آن، لازم به تأکید است که اگرچه مدل‌های متفاوتی از طرح‌های تأمین اجتماعی در کشورهای در حال توسعه و صنعتی جهان وجود دارد و شرایط کارایی بازارهای مالی، چارچوب‌های قانونی و ساختارهای اجرایی، گزارش‌گیری و نظارتی در کشورهای مختلف متفاوت است؛ ولیکن بدیهی است که رهنمودهای هر ساختار باید با شرایط ویژه هر طرح و یا هر کشور وفق داده شود. (IOPS, 2015)

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از جهت نتایج و هدف یک تحقیق کاربردی اکتشافی، از نظر فرآیند اجرا در زمره تحقیقات آمیخته با تقدم بخش کیفی محسوب می‌شود و استراتژی اصلی آن کثرت‌گرایی روش‌شناختی با بهره‌گیری از دو استراتژی است. به این صورت که جهت پاسخ به سؤال اول تحقیق، ابتدا در بخش کیفی با استفاده از روش مطالعه مروری نظام‌مند، عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی استخراج و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون، عوامل کلیدی تعیین و کدگذاری شدند. سپس برای پاسخ سؤال دوم از روش کمی استفاده شد و با استفاده از مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (Interpretive Structural Modelling (ISM))، روابط بین این عوامل به صورت شبکه مضامین مدل‌سازی و با بهره‌گیری از تحلیل میک مک (MICMAC) میزان اثرگذاری و اثرپذیری عوامل بر یکدیگر شناسایی گردید. الگوی استخراج شده نیز از حیث هدف، یک الگوی توصیفی است که برای تشریح وضعیت عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی استفاده می‌شود و از جهت میزان انتزاع، یک الگوی شماتیک به حساب می‌آید. جدول ۳ دسته‌بندی از مراحل انجام پژوهش و روش‌های به کار رفته در هر مرحله را نشان می‌دهد.

جدول ۳. روش تحقیق

نوع روش	مرحله تحقیق	روش تحقیق	ابزار تحقیق
کیفی	جمع آوری داده‌ها	مطالعه مروری نظام‌مند	چک لیست
	تحلیل داده‌ها	تحلیل مضمون	کدگذاری مضامین
کمی	مدل‌سازی داده‌ها	مدل‌سازی ساختاری-تفسیری	پرسشنامه
	تفسیر داده‌ها	تحلیل میک مک	نرم افزار MicMac

منبع: نتایج تحقیق

الف) مرحله کیفی پژوهش

در این مرحله پایگاه‌های علمی و سازمانی داخلی و خارجی در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۷، مورد جستجو قرار گرفتند. پایگاه‌های علمی بین‌المللی جستجو شده شامل Emerald، ProQuest و Google Scholar و پایگاه‌های علمی داخلی شامل پایگاه‌های SID و Irandoc بود. در بخش پایگاه‌های سازمانی خارجی نیز پایگاه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بانک جهانی و نیز سازمان بین‌المللی نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی و در سازمان‌های داخلی سازمان تأمین اجتماعی، مؤسسه تحقیقات بازنشستگی صندوق بازنشستگی کشوری (صبا) و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جستجو گردید.

کلیدواژه‌های «صندوق‌های بازنشستگی»، «مقررات‌گذاری»، «نظارت»، «تنظیم‌گری» و «تأمین اجتماعی» و کلیدواژه‌های لاتین شامل «Pension funds»، «Regulation» و «Social security» در پایگاه‌های ذکر شده جستجو شد. بین واژگان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی از عملگر OR و بین این واژگان و کلیدواژه‌های تنظیم‌گری، مقررات‌گذاری و نظارت از عملگر AND استفاده شد. در این جستجو با توجه به اینکه در مطالعات تنظیم‌گری سه عبارت regulatory، regulation و regulator کاربرد دارد، جهت تدقیق جستجوها عملگر OR بین آن‌ها مورد استفاده قرار گرفت. در پایگاه‌های داخلی نیز عبارات «نهاد ناظر» و «مقام ناظر» به عنوان مفاهیم متناظر با تنظیم‌گر در جستجوها با عملگر OR جستجو شد. همچنین جهت اطمینان از کفایت نظری، منابع و مأخذ استفاده شده بر اساس سطح ارتباط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

پژوهش‌های استخراج شده پس از غربالگری بر اساس عنوان و چکیده، به

صورت هدفمند به دو بخش تقسیم شدند، مواردی که قابلیت استفاده در بخش مطالعات نظری و مبنایی تحقیق را دارا بودند و پژوهش‌هایی که می‌توانستند به عنوان ورودی جهت کدگذاری در تحلیل مضمون انتخاب شوند. معیار ورود اصلی مقالات به بخش تحلیل مضمون آن بود که به جهت تأمین هدف بومی بودن الگوی نتایج و کاربردی بودن آن برای سیاست‌گذاری کلان در حوزه تأمین اجتماعی، عوامل کلیدی مؤثر بر مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی در حوزه جغرافیایی ایران را بررسی کرده باشند. با اعمال این محدودیت از بین پژوهش‌های استخراج شده، ۸ پژوهش که بیشترین ارتباط را با موضوع تحقیق داشتند جهت ورود به عنوان متن قابل کدگذاری به مرحله تحلیل مضمون و نرم‌افزار مکس کیودا انتخاب شدند. همچنین در یک مورد با توجه به اینکه متن کامل پژوهش در تاریخ اجرای این مطالعه هنوز توسط پایگاه اطلاعات مربوطه منتشر نشده بود، به منظور کسب اطلاعات بیشتر با یکی از نویسندگان تماس حاصل شد و اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردید.

روش تحلیل مضمون: روش «تحلیل مضمون» به عنوان یکی از روش‌های متعارف و کاملاً نظام‌مند در تحلیل داده‌های کیفی به ویژه داده‌های متنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Guba and Lincoln, 1982) این روش برای شناسایی، تحلیل و گزارش تم‌های موجود در داخل متن انتخاب شد. در اجرای آن، ابتدا متن‌ها چندین بار با هدف غوطه‌وری داده‌ها خوانده و گزاره‌های کلیدی تقطیع شد. مرحله اول با حذف مشابهت‌ها، ۱۱۷ کد اولیه استخراج شد. سپس برای استخراج مضامین پایه، محققان کدها و مفاهیمی که بیشترین قرابت معنایی را نسبت به هم داشتند کنار هم قرار داده و به خلق معنا و عبارات جدید پرداختند و سرانجام ۴۰ مضمون پایه حاصل گردید. در گام بعدی مضامین پایه به دست آمده در قالب ۹ مضمون سازمان‌دهنده قرار داده شدند. جدول ۵ نمونه‌ای از استخراج مفاهیم و دستیابی به مضامین از داده‌های متنی را نشان می‌دهد. همچنین در خصوص سنجش اعتبار و یا ارزیابی کیفیت مضامین استخراج شده به کمک روش تحلیل مضمون، اقداماتی توسط پژوهشگران صورت گرفت. به این منظور برای

افزایش قوام و صحت نتایج مطالعه، از معیارهایی که توسط گویا و لینکولن (۱۹۸۲) پیشنهاد گردیده است، به شرح زیر استفاده شد:

- مقبولیت و تأییدپذیری: برای این مورد از درگیری طولانی مدت و بازبینی توسط همکاران و شرکت‌کنندگان و استفاده از نظرات متخصصین و افراد صاحب‌نظر استفاده شد.

- قابلیت وابستگی: برای این مورد نیز از دو نفر برای کدگذاری استفاده شد.

- قابلیت انتقال: برای این مورد از نظرات صاحب‌نظران و افراد خبره و همچنین نمونه‌گیری مبتنی بر هدف استفاده گردید.

ب) مرحله کمی پژوهش

مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM): این روش در واقع کاربردی سیستمی از نشانه‌گذاری نظریه‌گراف‌ها برای ایجاد و فهم روابط میان عناصر یک سیستم پیچیده به کار می‌رود. (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۵) مدل‌سازی ساختاری تفسیری یک مدل تفسیری است زیرا این قضاوت گروه است که تعیین می‌کند کدام یک از عناصر با هم رابطه دارند و اینکه چه رابطه‌ای دارند. (زارعی و ایزدخواه، ۱۳۹۴) در این مرحله با استفاده از مضامین حاصل شده در مرحله تحلیل مضمون، پرسشنامه‌ای از نوع ساختاریافته شامل ۱۴ مؤلفه طراحی گردید، به این صورت که خبرگان منتخب بایستی اثرگذاری هر یک از عوامل را بر سایر عوامل با اعداد ۰، ۱، ۲ و ۳ مشخص می‌کردند. عدد ۰ بیانگر کمترین اثرگذاری و عدد ۳ بیانگر بیشترین اثرگذاری بود. همچنین روایی محتوای پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصین (خبرگان اجرایی و دانشگاهی مرتبط در حوزه‌های صندوق‌های بازنشستگی) مورد تأیید قرار گرفت. روش بررسی پایایی پرسشنامه، روش موازی یا استفاده از آزمون‌های هم‌تاست. نتایج حاصل از محاسبه همبستگی میان پاسخ‌ها نشان دهنده ۸۱٪ همبستگی میان پاسخ‌هاست، که این عدد مؤید پایایی پرسشنامه است. از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف برای انتخاب شرکت‌کنندگان استفاده گردید و ۱۱ نفر به صورت هدفمند انتخاب و بین آن‌ها پرسشنامه توزیع گردید و مبنای این پژوهش قرار گرفت. برای مشارکت افرادی که شناخت

بیشتری از تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی دارند، سابقه‌ی حداقل ۲ سال مدیریت در یکی از صندوق‌های بازنشستگی جهت خبرگان اجرایی و انتشار حداقل ۲ اثر علمی به صورت کتاب یا مقاله جهت خبرگان دانشگاهی، ملاک انتخاب قرار گرفت. بر این اساس مشخصات نمونه آماری در مرحله کمی پژوهش به شرح جدول ۴ می‌باشد.

جدول ۴. مشخصات جامعه آماری پژوهش

فراوانی	توضیح	اعضای جامعه آماری
۷	شامل مدیران در سازمان تأمین اجتماعی، وزارت رفاه، کار و تأمین اجتماعی، سازمان خصوصی سازی و صندوق بازنشستگی کشور	مدیران عالی و معاونان
۴	شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه و پژوهشکده پولی و بانکی و همچنین صاحب‌نظر در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی	اعضای هیأت علمی

مصاحبه شونده‌گان، توافق دارند که صندوق‌های بازنشستگی با بحران مواجه هستند. بیشتر آن‌ها بر کلیتی به نام نظام بازنشستگی تمرکز ندارند، بلکه بر صندوق‌هایی خاص و به ویژه سازمان تأمین اجتماعی که بیشترین بازنشستگان کشور را تحت پوشش قرار داده است تمرکز کرده‌اند. تمامی افرادی که در ابتدا با وجود بحران بازنشستگی مخالفت می‌کنند، در ادامه‌ی سخنان خویش، شرح می‌دهند که بحران به این معنا که معضلات فزاینده‌ی موجود، در قوانین مربوط به نظام بازنشستگی یا توان مالی واقعی صندوق‌ها ریشه ندارد، بلکه حاصل دخالت‌ها، بدعهدی‌ها و رویکرد اشتباه دولت‌ها یا عوامل اقتصادی بیرونی است؛ تلقی کلی مابقی مصاحبه شونده‌گانی که وجود بحران را پذیرفته‌اند نیز همین است و بیشتر بر عوامل بیرونی و کلی تمرکز کرده‌اند. علاوه بر این در مصاحبه‌های پایانی نکته جدیدی به پاسخ‌ها اضافه نمی‌شد و مقوله‌های جدیدی شکل نمی‌گرفت. با این کار در واقع معیار اشباع^۱ نیز به دست آمد. (Seidman, 2006. pp 26)

در خصوص ملاحظات اخلاقی، افراد جهت شرکت در مطالعه آزاد بودند، توضیحات روشن در مورد اهداف مطالعه به طور شفاهی به آن‌ها داده شد و پس از رضایت آگاهانه ایشان، پرسشنامه به صورت حضوری ارایه و تکمیل گردید.

همچنین با توجه به حساسیت موضوع به افراد پاسخ‌دهنده اطمینان داده شد که اطلاعات دریافتی بدون ذکر نام آنان، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری در ۵ مرحله به شرح زیر اجرا گردید.

مرحله اول- تعیین ابعاد/عناصر: ISM با شناسایی متغیرها یا مضامینی شروع می‌شود که مربوط به مسأله یا موضوع می‌باشند. (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳) این متغیرها از طریق مطالعه ادبیات موضوع یا از طریق مصاحبه با خبرگان به دست می‌آید.

مرحله دوم- به دست آوردن ماتریس خود تعاملی ساختاری^۱: این ماتریس، یک ماتریس به ابعاد عناصر می‌باشد که این عناصر در سطر و ستون اول آن، به ترتیب ذکر می‌شوند. آن‌گاه روابط ۲ به ۲ متغیرها توسط نمادهایی مشخص می‌شوند. برای تعیین روابط بین عناصر از یک طیف ۴ تایی (به صورت ۳: عامل سطر i روی عامل ستون j کاملاً مؤثر است (تأثیر زیاد)، ۲: عامل سطر i روی عامل ستون j مؤثر است (تأثیر متوسط)، ۱: عامل سطر i روی عامل ستون j بی‌تأثیر است (بدون تأثیر) دارد (تأثیر اندک)، ۰: عامل سطر i روی عامل ستون j بی‌تأثیر است (بدون تأثیر) استفاده شد. نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌هایی که جمع‌آوری گردید، با هم جمع شده و در جدول وارد می‌گردد. بنابراین حداقل عددی که در هر یک از خانه‌های این جدول قرار می‌گیرد، ۰ و حداکثر عددی که قرار می‌گیرد برابر با حاصل ضرب بالاترین عدد طیف یعنی عدد ۳ در تعداد افراد پاسخ‌دهنده به پرسشنامه خواهد بود.

مرحله سوم- طراحی ماتریس دستیابی: ماتریس دستیابی با تعیین روابط به صورت ۰ و ۱ از روی ماتریس به دست آمده در مرحله قبل و طی دو مرحله به دست می‌آید. در مرحله اول ابتدا یک مقیاس عددی واحد در نظر گرفته و اعداد جدول مرحله قبل با آن مقایسه می‌شود. در صورتی که عدد مربوطه در جدول از مقیاس بزرگتر باشد، در جدول جدید از عدد ۱ و در غیر این صورت از ۰ استفاده

1. SSIM: Structural Self-Interaction Matrix

می‌شود. بولانوس^۱ و همکاران (۲۰۰۵) برای یافتن عدد مقیاس از فرمول زیر استفاده می‌کنند. (اصلی پور و زرگر، ۱۳۹۷)

$$m = 2 \times n$$

$m =$ عدد مقیاس؛ $n =$ تعداد پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده

برای پژوهش حاضر عدد مقیاس، ۲۲ به دست آمد.

$$m = 2 * 11 = 22$$

در مرحله دوم، ماتریس به دست آمده در مرحله اول با ماتریس واحد جمع

می‌شود.

$$RM = M + I$$

$RM =$ ماتریس دستیابی

$M =$ ماتریس به دست آمده در مرحله اول

$I =$ ماتریس واحد

$$M = \begin{cases} a_{ij} = 1 & \text{if } a_{ij} \geq m \\ a_{ij} = 0 & \text{if } a_{ij} < m \end{cases}$$

حاصل این محاسبات ماتریس دستیابی است.

مرحله چهارم- تعیین سطح عوامل: برای تعیین سطح و اولویت عوامل، مجموعه دستیابی^۲ و مجموعه پیش‌نیاز^۳ برای هر عامل تعیین می‌شود. مجموعه دستیابی هر عامل، شامل عواملی می‌شود که از این عامل تأثیر می‌پذیرند و مجموعه پیش‌نیاز شامل عواملی می‌شود که بر این عامل تأثیر گذارند. این تأثیر و تأثرها با استفاده از ماتریس دستیابی به دست می‌آید. (اصلی پور و زرگر، ۱۳۹۷)

پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز هر عامل، عناصر مشترک این ۲ مجموعه برای هر عامل شناسایی می‌شود. سپس نوبت به تعیین سطح عوامل می‌رسد. در اولین جدول، عاملی دارای بالاترین سطح می‌باشد که مجموعه دستیابی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان باشند. پس از تعیین این عامل یا عوامل، آن‌ها را از جدول حذف نموده و با سایر عناصر باقیمانده، جدول بعدی

1. Bolanos

2. reachability set

3. antecedent set

تشکیل می‌شود. در جدول دوم نیز همانند جدول اول، متغیر سطح دوم مشخص می‌شود و این کار تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه می‌یابد.

مرحله پنجم - ترسیم الگوی / مدل مضامین: پس از تعیین سطح عوامل، می‌توان روابط آن‌ها با یکدیگر را در قالب یک مدل براساس اطلاعات به دست آمده ماتریس دستیابی، به نمایش درآورد.

تحلیل میک مک: هدف در این نوع تحلیل، تشخیص و تحلیل قدرت هدایت و وابستگی متغیرهاست. در این تحلیل، متغیرها بر اساس قدرت هدایت که از طریق جمع ضرایب یک عوامل در سطر به دست می‌آید و درجه وابستگی که به وسیله جمع ضرایب یک عامل در ستون مشخص می‌شود به ۴ دسته تقسیم می‌گردند. دسته اول متغیرهای خودمختار هستند. عوامل این دسته عواملی هستند که هم قدرت هدایتی (عامل تقویت کننده عقلایی در سایر عوامل) کمی دارند و هم وابستگی آن به سایر عوامل کم است. دسته دوم نیز متغیرهای وابسته هستند که قدرت هدایتی کمی بر سایر متغیرها دارد اما وابستگی آن به سایر عوامل زیاد است. عوامل دسته سوم یعنی متغیرهای پیوندی، هدایت‌گر سایر عوامل هستند و هم وابسته به آن‌ها؛ بنابراین تغییر در آن‌ها کل سیستم را متأثر خواهد نمود و چهارمین دسته «متغیرهای مستقل» می‌باشد که دارای قدرت هدایت قوی ولی وابستگی ضعیف می‌باشند. (یاوری، ۱۳۹۱) داده‌های این مرحله از تحقیق نیز توسط همان پرسشنامه‌ی استفاده شده در روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری و بر اساس امتیازات داده شده توسط خبرگان بر میزان اثرگذاری هر عامل بر سایر عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات‌گذاری و نظارت صندوق‌های بازنشستگی کشور، به دست آمده است.

یافته‌های تحقیق (مراحل و گام‌های مدل‌سازی ساختاری-تفسیری)

مرحله اول - تعیین ابعاد/ عناصر

در این تحقیق، مضامین به دست آمده با استفاده از روش تحلیل مضمون از طریق مصاحبه با خبرگان این زمینه به دست آمده است. جدول ۵ حاوی مثال‌هایی از

مفاهیم شناسایی شده در متن پیاده شده یک نمونه مصاحبه است که در قالب تم‌های فرعی دسته‌بندی شده است. چنین کاری برای هر کدام از مصاحبه‌ها انجام شد و در صورت وجود بخش‌هایی با مضامین مشابه در متن مصاحبه‌های قبلی، از همان کدهای قبلی اختصاص داده شده به عنوان نشانگر آن‌ها استفاده گردید. سپس بر اساس تمامی تم‌های فرعی شناسایی شده در کل تحقیق دسته‌بندی کلی تری انجام شد که منجر به شناسایی تم‌های اصلی (۱۴ مورد) گردید. در ادامه نتایج حاصل از این فرآیند ارائه می‌شود.

جدول ۵. مفاهیم و تم‌های فرعی شناسایی شده در متن یک نمونه مصاحبه

کد مفهوم	عنوان مفهوم شناسایی شده و نقل قول مرتبط با آن	کد تم فرعی	عنوان تم فرعی
مفهوم ۱۳	مشارکت همه ذی‌نفعان " ... به این نکته توجه داشته باشید که صندوق‌های بازنشستگی ذی‌نفعان متعددی چون بیمه‌شدگان در دوره‌های مختلف، کارفرمایان، دولت‌ها و ... دارند."	تم فرعی ۱	رعایت اصل سه جانبه‌گرایی
مفهوم ۱۶	کنترل دولتی صندوق‌ها بیشترین سهم را در اداره این صندوق‌ها در گذشته دولت‌ها داشته‌اند. سایر ذی‌نفعان که سهامدار اصلی این صندوق‌ها بودند مانند کارگران و کارفرمایان سهم‌شان در اداره آن‌ها بسیار ناچیز یا در حد صفر بوده است."		
مفهوم ۸	رویه‌ها و تصمیمات غیر شفاف " ... وجود رویه‌ها یا تصمیم‌گیری‌های غیر شفاف و نبود نظام اطلاعات، آمار و داده‌ها درباره ورودی‌ها و خروجی‌های صندوق‌های بازنشستگی در گذشته باعث بروز اتهامات بسیاری شد که بخش عمده مشکلات از همین ناحیه به وجود آمده است."		
مفهوم ۱۱	بی‌اطلاعی ذی‌نفعان از عملکرد بی‌اطلاعی ذی‌نفعان متعدد نسبت به محصولات، خروجی‌ها، خدمات و دستاوردهای صندوق‌های بازنشستگی از عوامل اصلی بروز مشکلات آن‌ها و حتی عامل مؤثر بر عملکرد مدیریتی آن‌ها نیز بوده است	تم فرعی ۲	ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی
مفهوم ۵	عدم شفافیت مطالبات صندوق‌ها روایت‌ها از بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی متفاوت است. سازمان تأمین اجتماعی مدعی است که از دولت در حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان مطالبه دارد. صندوق بازنشستگی کشوری هم ادعا کرده است که حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان دولت به آن بدهکار است. البته دولت هیچ‌گاه این ادعاها را تأیید نکرده است.		
مفهوم ۱۷	اعمال سیاست‌های حمایتی نامتناسب با ظرفیت مالی "متأسفانه در کشور ما بخش قابل توجهی از منابع صندوق‌ها صرف اجرای سیاست‌های حمایتی فاقد مبنای منطقی و نامتناسب با ظرفیت مالی آن‌ها شده است."	تم فرعی ۳	رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاست‌گذاری حوزه بازنشستگی
مفهوم ۲۰	عدم توجه به تبعات مالی قوانین مصوب بازنشستگی بسیاری از مقررات و قوانینی که دولت و مجلس در گذشته برای صندوق‌های بازنشستگی تدوین کردند به مثابه شوک‌های سیاستی بوده و به شدت صندوق‌های بازنشستگی را مورد آسیب قرار داده است. نمونه آن تصویب قانون بازنشستگی پیش از موعد یا وسیع کردن دامنه مشاغل سخت و زیان‌آور است.		
مفهوم ۱۴	تکالیف دولتی بدون تأمین منابع دولت‌ها بخش بسیاری از سیاست‌های رفاهی و حمایتی با اهداف توسعه‌ای یا غیر توسعه‌ای را بر عهده صندوق‌های بازنشستگی گذاشتند بدون آن که منابعش را بپردازند.	تم فرعی ۴	ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها

مفهوم ۱۵	<p>بدحسابی دولت در پرداخت دیون خود به صندوق‌ها دولت‌ها یکی از ذی‌نفعان صندوق‌ها هستند و باید به عنوان کارفرمایان، کارگران و کارمندان دولتی یا به‌عنوان تأمین‌کننده الزامی سهم حاکمیتی از حق بیمه سهم‌شان را پرداخت می‌کردند اما طی سالیان گذشته در پرداخت این سهم بدحساب بودند.</p>	
----------	---	--

منبع: نتایج تحقیق

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مضامین سازمان‌دهنده عوامل مؤثر مشتمل بر مفاهیم زیر است که مدل‌سازی براساس آن‌ها صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر ابعاد و عناصر این تحقیق عبارت هستند از: ۱- رعایت اصل سه جانبه‌گرایی؛ ۲- ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی؛ ۳- رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاستگذاری حوزه بازنشستگی؛ ۴- ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها؛ ۵- اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع؛ ۶- بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی؛ ۷- پایین بودن رشد اشتغال رسمی؛ ۸- نبود نهاد ناظر مستقل؛ ۹- عدم توجه سیاستگذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-اقتصادی بین صندوق‌ها؛ ۱۰- اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها؛ ۱۱- ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری؛ ۱۲- مقاومت ذی‌نفعان با نفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها؛ ۱۳- تفاوت مقررات بیمه‌ای بین صندوق‌ها؛ ۱۴- درهم تنیدگی صندوق‌ها با سایر اجزای سیستم مالی.

مرحله دوم - به دست آوردن ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM)

نتایج به دست آمده از پرسشنامه‌هایی که جمع‌آوری گردید، با هم جمع شده و اعداد به دست آمده در جدول شماره (۶) آمده است. بنابراین در هر یک از خانه‌های این جدول اعدادی بین ۰ تا ۳۳ قرار خواهند گرفت.

جدول ۶. ماتریس خود تعاملی ساختاری مضامین

مضامین کلیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱		۲۰	۲۹	۳۰	۳۱	۲۰	۱۷	۳۱	۲۸	۲۹	۲۸	۳۰	۱۸	۱۵
۲	۲۸		۳۱	۳۰	۳۲	۱۹	۳۰	۱۷	۲۰	۲۸	۳۱	۲۹	۲۸	۱۲
۳	۱۷	۲۹		۳۱	۳۰	۲۸	۱۵	۳۰	۲۸	۲۰	۲۱	۱۸	۳۱	۲۱
۴	۳۰	۲۸	۳۱		۳۰	۲۰	۱۲	۱۸	۲۱	۲۸	۱۹	۱۷	۱۵	۲۸
۵	۱۹	۲۹	۲۸	۲۹		۱۸	۱۱	۱۸	۱۹	۲۸	۲۰	۲۱	۲۹	۲۸
۶	۲۰	۱۶	۲۹	۱۷	۲۵		۱۰	۱۵	۲۱	۲۶	۱۳	۲۹	۲۳	۲۸
۷	۲۷	۲۵	۱۵	۲۳	۲۰	۱۳		۱۱	۱۰	۱۸	۲۰	۱۲	۱۳	۱۳
۸	۲۵	۲۵	۲۷	۲۶	۲۴	۲۹	۲۵		۳۱	۲۸	۲۳	۲۹	۳۱	۲۷

۲۵	۲۹	۲۳	۲۷	۲۴		۲۷	۱۶	۲۳	۲۹	۲۵	۲۳	۱۵	۲۷	۹
۲۵	۳۰	۱۸	۲۹		۱۸	۲۸	۲۹	۲۷	۲۳	۲۶	۲۳	۲۴	۲۵	۱۰
۱۱	۱۷	۲۹		۲۳	۲۶	۲۸	۱۴	۱۱	۱۰	۱۶	۱۴	۱۷	۲۴	۱۱
۲۵	۳۱		۲۹	۲۸	۱۶	۲۹	۱۴	۲۵	۳۰	۱۷	۲۵	۳۱	۲۸	۱۲
۲۳		۲۰	۲۴	۱۶	۱۸	۲۹	۱۲	۲۳	۲۵	۱۶	۲۵	۲۸	۲۳	۱۳
	۱۶	۲۹	۲۸	۲۴	۳۰	۲۹	۱۷	۳۱	۲۸	۲۳	۲۹	۲۰	۱۹	۱۴

منبع: نتایج تحقیق

مرحله سوم - طراحی ماتریس دستیابی

حاصل محاسبات ماتریس دستیابی در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. ماتریس دستیابی مضامین

مضامین کلیدی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	قدرت نفوذ
۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۸
۲	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۹
۳	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۷
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۶
۵	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۶
۶	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۶
۷	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳
۹	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
۱۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
۱۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰
۱۳	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۱۴	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۹
وابستگی	۹	۸	۱۱	۹	۱۱	۷	۳	۸	۵	۱۰	۸	۷	۸	۸	

منبع: نتایج تحقیق

مرحله چهارم - تعیین سطح عوامل

پس از تعیین مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز هر عامل، نوبت به تعیین سطح عوامل می‌رسد که در ۶ سطح استخراج گردید و طی جداول ۸ تا ۱۲ تبیین شده است.

جدول ۸. تعیین سطح عوامل (سطح اول)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش‌نیاز	مشترک	سطح
۱	۱۲, ۱۱, ۱۰, ۹, ۸, ۵, ۴, ۳	۱۳, ۱۲, ۱۱, ۱۰, ۹, ۸, ۷, ۴, ۲	۱۲, ۱۱, ۱۰, ۹, ۸, ۴	
۲	۱۳, ۱۲, ۱۱, ۱۰, ۷, ۵, ۴, ۳, ۱	۱۳, ۱۲, ۱۰, ۸, ۷, ۵, ۴, ۳	۱۳, ۱۲, ۱۰, ۷, ۵, ۴, ۳	
۳	۱۳, ۹, ۸, ۶, ۵, ۴, ۲	۱۴, ۱۳, ۱۲, ۱۰, ۹, ۸, ۶, ۵, ۴, ۲, ۱	۱۳, ۹, ۸, ۶, ۵, ۴, ۲	یک
۴	۱۴, ۱۰, ۵, ۳, ۲, ۱	۱۴, ۱۰, ۹, ۸, ۷, ۵, ۳, ۲, ۱	۱۴, ۱۰, ۵, ۳, ۲, ۱	
۵	۱۴, ۱۳, ۱۰, ۴, ۳, ۲	۱۴, ۱۳, ۱۲, ۱۰, ۹, ۸, ۶, ۴, ۳, ۲, ۱	۱۴, ۱۳, ۱۰, ۴, ۳, ۲	یک
۶	۱۴, ۱۳, ۱۲, ۱۰, ۵, ۳	۱۴, ۱۳, ۱۲, ۱۰, ۹, ۸, ۳	۱۴, ۱۳, ۱۲, ۱۰, ۳	

	۲	۱۰,۸,۲	۴,۲,۱	۷
	۱۲,۱۱,۱۰,۹,۳,۱ ۱۴,۱۳	۱۴,۱۳,۱۲,۱۱,۱۰,۹,۳,۱	۱۱,۱۰,۹,۷,۶,۵,۴,۳,۲,۱ ۱۴,۱۳,۱۲	۸
	۱۴,۱۱,۸,۳,۱	۱۴,۱۱,۸,۳,۱	۱۲,۱۱,۱۰,۸,۶,۵,۴,۳,۱ ۱۴,۱۳	۹
	۱۱,۸,۶,۵,۴,۲,۱ ۱۴	۱۴,۱۳,۱۱,۹,۸,۶,۵,۴,۲,۱	۱۳,۱۱,۸,۷,۶,۵,۴,۳,۲,۱ ۱۴	۱۰
یک	۱۲,۱۰,۹,۸,۱	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸,۲,۱	۱۲,۱۰,۹,۸,۱	۱۱
	۱۴,۱۱,۸,۶,۲,۱	۱۴,۱۱,۹,۸,۶,۲,۱	۱۳,۱۱,۱۰,۸,۶,۵,۳,۲,۱ ۱۴	۱۲
	۸,۶,۵,۳,۲	۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۵,۳,۲	۱۴,۱۱,۸,۶,۵,۳,۲,۱	۱۳
	۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۵,۴	۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۵,۴	۱۲,۱۱,۱۰,۹,۸,۶,۵,۴,۳	۱۴

منبع: نتایج تحقیق

بر اساس جدول ۸ مشاهده می‌شود که تنها در سه عامل سوم، پنجم و یازدهم یعنی رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاست‌گذاری حوزه بازنشستگی؛ اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع و ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری، مجموعه دریافتنی و مشترک به طور کامل یکسان هستند؛ یعنی این عوامل است که در مدل نهایی بیشترین تأثیرپذیری را از سایر عوامل و کمترین تأثیرگذاری را بر آن‌ها دارند و به همین خاطر بالاترین سطح مدل را به خود اختصاص می‌دهد. با حذف عوامل سوم، پنجم و یازدهم جدول ۹ نیز سطح دوم عوامل را نشان می‌دهد.

جدول ۹. تعیین سطح عوامل (سطح دوم)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۱	۱۲,۱۰,۹,۸,۴	۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸,۷,۴,۲	۱۲,۱۰,۹,۸,۴	دو
۲	۱۳,۱۲,۱۰,۷,۴,۱	۱۳,۱۲,۱۰,۸,۷,۴	۱۳,۱۲,۱۰,۷,۴	
۴	۱۴,۱۰,۲,۱	۱۴,۱۰,۹,۸,۷,۲,۱	۱۴,۱۰,۲,۱	دو
۶	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰	
۷	۴,۲,۱	۱۰,۸,۲	۲	
۸	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰,۹,۷,۶,۴,۲,۱	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰,۹,۱	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰,۹,۱	
۹	۱۴,۱۳,۱۲,۱۰,۸,۶,۴,۱	۱۴,۸,۱	۱۴,۸,۱	
۱۰	۱۴,۱۳,۸,۷,۶,۴,۲,۱	۱۴,۱۲,۹,۸,۶,۴,۲,۱	۱۴,۸,۶,۴,۲,۱	
۱۲	۱۴,۱۳,۱۰,۸,۶,۲,۱	۱۴,۹,۸,۶,۲,۱	۱۴,۸,۶,۲,۱	
۱۳	۱۴,۸,۶,۲,۱	۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۲	۸,۶,۲	
۱۴	۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۴	۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۴	۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۴	دو

منبع: نتایج تحقیق

باتوجه به جدول ۹، عوامل یکم، چهارم و چهاردهم (رعایت اصل سه جانبه‌گرایی؛ ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها؛ درهم تنیدگی صندوق‌ها با سایر اجزای

سیستم مالی) نیز در سطح دوم مدل قرار می گیرد. با حذف عوامل سطح دوم در جدول بعدی، عوامل سطح سوم نشان داده می شوند.

جدول ۱۰. تعیین سطح عوامل (سطح سوم)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۲	۱۳,۱۲,۱۰,۷	۱۳,۱۲,۱۰,۸,۷	۱۳,۱۲,۱۰,۷	سوم
۶	۱۳,۱۲,۱۰	۱۳,۱۲,۱۰,۹,۸	۱۳,۱۲,۱۰	
۷	۲	۱۰,۸,۲	۲	سوم
۸	۱۳,۱۲,۱۰,۹,۷,۶,۲	۱۳,۱۲,۱۰,۹	۱۳,۱۲,۱۰,۹	
۹	۱۳,۱۲,۱۰,۸,۶	۸	۸	
۱۰	۱۳,۸,۷,۶,۲	۱۲,۹,۸,۶,۲	۸,۶,۲	
۱۲	۱۳,۱۰,۸,۶,۲	۹,۸,۶,۲	۸,۶,۲	
۱۳	۸,۶,۲	۱۲,۱۰,۹,۸,۶,۲	۸,۶,۲	سوم

منبع: نتایج تحقیق

باتوجه به جدول ۱۰، عوامل دوم، هفتم و سیزدهم (ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی؛ پایین بودن رشد اشتغال رسمی؛ تفاوت مقررات بیمه‌ای بین صندوق‌ها) نیز در سطح سوم مدل قرار می گیرد. با حذف عوامل سطح سوم در جدول بعدی، عامل سطح چهارم نشان داده می شوند.

جدول ۱۱. تعیین سطح عوامل (سطح چهارم)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۶	۱۲,۱۰	۱۲,۱۰,۹,۸	۱۲,۱۰	
۸	۱۲,۱۰,۹,۶	۱۲,۱۰,۹	۱۲,۱۰,۹	
۹	۱۲,۱۰,۸,۶	۸	۸	
۱۰	۸,۶	۱۲,۹,۸,۶	۸,۶	چهارم
۱۲	۱۰,۸,۶	۹,۸,۶	۸,۶	

منبع: نتایج تحقیق

باتوجه به جدول ۱۱ عامل دهم (اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها) نیز در سطح چهارم مدل قرار می گیرد. با حذف عامل سطح چهارم در جدول بعدی، عامل سطح پنجم نشان داده می شوند.

جدول ۱۲. تعیین سطح عوامل (سطح پنجم و ششم)

عوامل	مجموعه دستیابی	مجموعه پیش نیاز	مشترک	سطح
۶	۱۲	۱۲,۹,۸	۱۲	ششم
۸	۱۲,۹,۶	۱۲,۹	۱۲,۹	ششم
۹	۱۲,۸,۶	۸	۸	ششم
۱۲	۸,۶	۹,۸,۶	۸,۶	پنجم

منبع: نتایج تحقیق

باتوجه به جدول ۱۲ عامل دوازدهم (مقاومت ذی نفعان بانفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها) نیز در سطح پنجم مدل قرار می‌گیرد. با حذف عامل سطح پنجم در جدول بعدی، عوامل سطح ششم نشان داده می‌شوند.

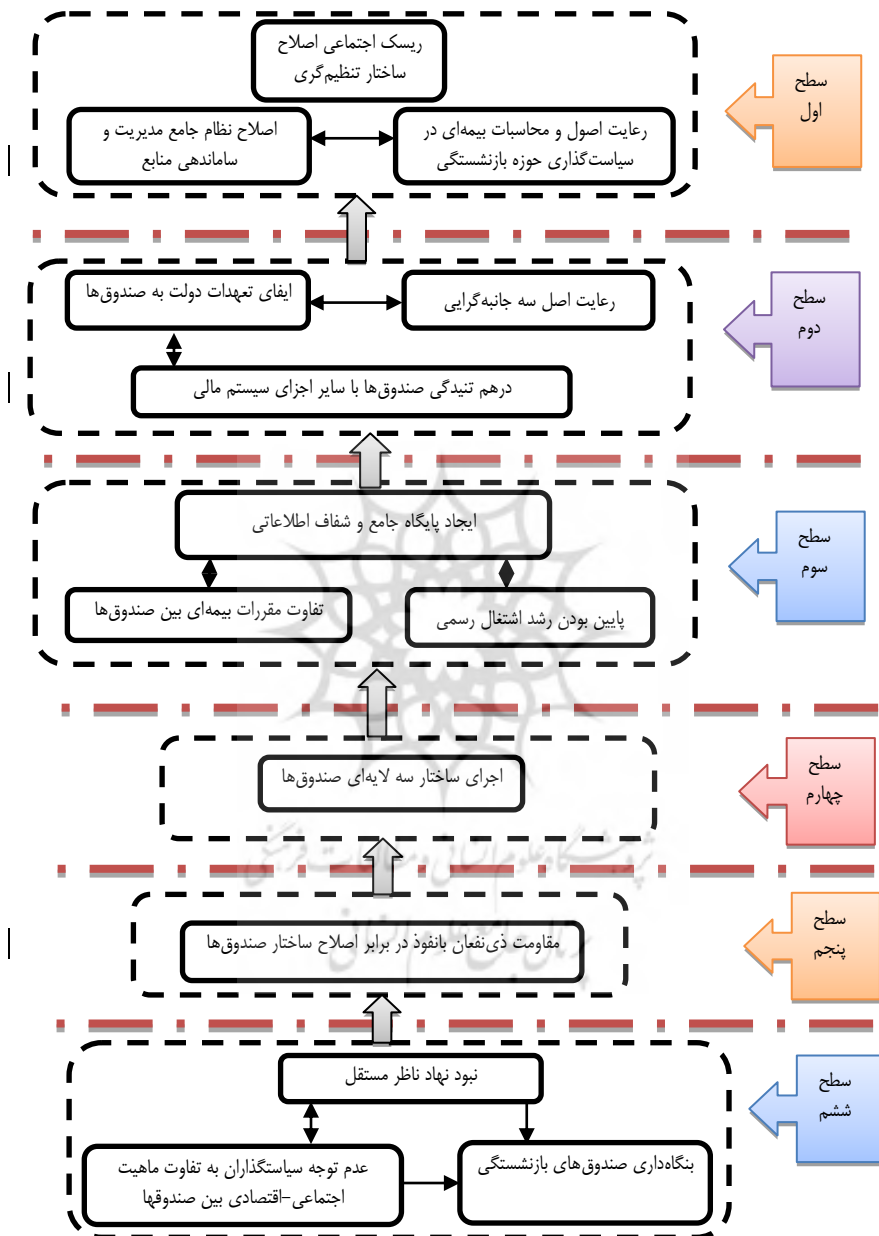
همان‌طور که در جدول ۱۲ ملاحظه می‌شود عاملی یافت نمی‌شود که عوامل مشترک با عوامل دستیابی آن‌ها یکی باشد. لذا تمامی عوامل فوق یعنی ۹,۸,۶ (بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی؛ نبود نهاد ناظر مستقل؛ عدم توجه سیاستگذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-اقتصادی بین صندوق‌ها) در سطح ششم قرار می‌گیرند.

مرحله پنجم - ترسیم الگوی/مدل مضامین

پس از تعیین سطح عوامل می‌توان روابط آن‌ها با یکدیگر را در قالب یک مدل براساس اطلاعات به دست آمده ماتریس دستیابی به نمایش درآورد (شکل ۱). بر اساس جداول تعیین سطح، سه عامل سوم، پنجم و یازدهم یعنی «رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاستگذاری حوزه بازنشستگی»، «اصلاح نظام جامع مدیریت و سامان‌دهی منابع» و «ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری» در سطح اول یعنی در بالای مدل قرار می‌گیرند و سایر عوامل پایین‌تر از آن‌ها خواهند بود. البته بر اساس جدول ۷ این سه نیز با یکدیگر روابط متقابل نیز دارند و بر هم اثرگذارند.

در سطح دوم، عوامل یکم، چهارم و چهاردهم یعنی «رعایت اصل سه جانبه‌گرایی»، «ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها» و «درهم‌تندگی صندوق‌ها با سایر اجزای سیستم مالی» قرار می‌گیرند که در واقع به عنوان عوامل تعیین‌کننده و تقویت‌کننده عوامل سطح یک عمل می‌نمایند. سطح سوم شامل مؤلفه‌های «ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی»، «پایین بودن رشد اشتغال رسمی» و «تفاوت مقررات بیمه‌ای بین صندوق‌ها» است. در سطح چهارم عامل «اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها»، در سطح پنجم عامل «مقاومت ذی نفعان با نفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها» و سطح ششم عوامل «بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی»؛ «نبود نهاد ناظر مستقل»؛ «عدم توجه سیاست‌گذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-

اقتصادی بین صندوق‌ها» به عنوان عوامل بستر ساز و پایه ای مطرح می‌باشند.



شکل ۱. الگوی / مدل مضامین

مرحله تحلیل میک مک (MICMAC)

قدرت نفوذ و میزان وابستگی هریک از عوامل کلیدی مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات گذاری و نظارت صندوق های بازنشستگی کشور که از پرسشنامه های دریافتی تعیین گردید در جدول ۱۳ بیان شده است.

جدول ۱۳. اثرگذارین و پذیرین متغیرها

N°	Variable	Total number of rows	Total number of columns
1	رعایت اصل سه جابیه گرایی	8	9
2	ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی	9	8
3	رعایت اصول و محاسبات بیمه ای در سیاست گذاری خو	7	11
4	ایفای تعهدات دولت به صندوقها	6	9
5	اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع	6	11
6	بازنگاهداری صندوق های بازنشستگی	6	7
7	پایین بودن رشد اشتغال رسمی	3	3
8	دروغ نهاد ناظر مستقل	13	8
9	عدم توجه سیاستگذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-ا	11	5
10	اجرای ساختار سه لایه ای صندوقها	11	10
11	ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیمگری	5	8
12	مقاومت ذینفعان بانفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق	10	7
13	تفاوت مقررات بیمه ای بین صندوقها	8	8
14	درهم تنیدگی صندوقها با سایر اجزای سیستم مالی	9	8
Totals		112	112

@IJSPREPTAMICMAC

منبع: نتایج تحقیق (خروجی نرم افزار MicMac)

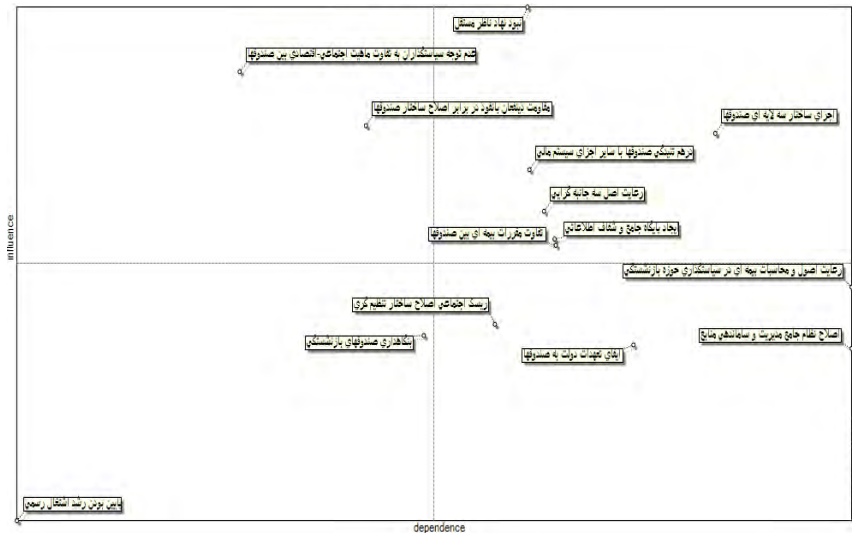
با توجه به ارتباطات غیرمستقیم موجود در بین عوامل، پایداری ماتریس پس از سه مرحله حاصل گردید که در جدول ۱۴ ملاحظه می شود.

جدول ۱۴. پایداری ماتریس ارتباطات عوامل
Stability

Iteration	Influence	Dependence
1	88 %	83 %
2	100 %	95 %
3	100 %	100 %

@IJSPREPTAMICMAC

بر این مبنا، ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی طبق شکل ۲ در چهار بخش متغیرهای مستقل، متغیرهای وابسته، متغیرهای پیوندی و متغیرهای خودمختار، استخراج شد.



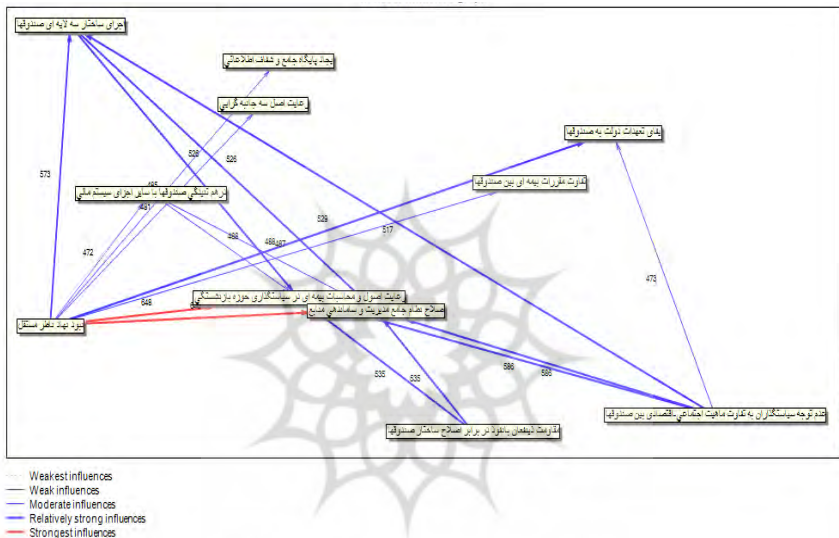
شکل ۲. ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی عوامل

منبع: نتایج تحقیق (خروجی نرم افزار MicMac)

همانطور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود، عوامل ۶ و ۷ (بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی؛ پایین بودن رشد اشتغال رسمی) در دسته متغیرهای خودمختار قرار گرفتند. همچنین محاسبات نشان داد که متغیرهای ۳، ۴، ۵ و ۱۱ (رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاست‌گذاری حوزه بازنشستگی؛ ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها؛ اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع؛ ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری) در دسته متغیرهای وابسته و عوامل ۱، ۲، ۸، ۱۰، ۱۳ و ۱۴ (رعایت اصل سه جانبه‌گرایی؛ ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی؛ نبود نهاد ناظر مستقل؛ اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها؛ تفاوت مقررات بیمه‌ای بین صندوق‌ها؛ درهم تیدگی صندوق‌ها با سایر اجزای سیستم مالی) در گروه متغیرهای پیوندی قرار گرفتند. چهارمین دسته نیز متغیرهای مستقل بودند که شامل عوامل ۹ و ۱۲ یعنی عدم توجه سیاست‌گذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-اقتصادی بین صندوق‌ها و مقاومت ذی‌نفعان بانفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها بود.

در ادامه جهت تفسیر دقیق داده‌های استخراج شده، نقشه گراف روابط بین

عوامل (شکل ۳)، با درجه‌ی ۲۵ درصد جهت ترسیم روابط بسیار قوی، قوی و نسبتاً قوی استخراج گردید. همانطور که ملاحظه می‌شود، نبود نهاد ناظر مستقل به عنوان یک متغیر پیشران بر سایر عوامل مؤثر بر اصلاح الگوی مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی، قرار دارد که بیشترین تأثیر خود را بر رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاست‌گذاری حوزه بازنشستگی و اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع خواهد گذاشت.



شکل ۳. گراف روابط بین عوامل مؤثر بر اصلاح ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی
منبع: نتایج تحقیق (خروجی نرم افزار MicMac)

روش اعتبارسنجی الگو

در این پژوهش اعتبارسنجی و اصلاح الگو از تکنیک گروه کانونی استفاده گردید. با توجه به تعدد مضامین مستخرج از مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، از تکنیک محاسبه نسبت اعتبار محتوا^۱ برای حفظ یا رد مضامین استفاده گردید. در این روش با تشکیل گروه کانونی، شاخصی با عنوان نسبت اعتبار محتوا برای هر یک از اجزا و معیارهای پیشنهادی مدل محاسبه می‌گردد. چنانچه شاخص سنجیده

1. CVR: Content Validity ratio

شده با توجه به تعداد اعضای پانل، در حد مجاز قرار گیرد، آن معیار در مدل حفظ خواهد شد.

در این شاخص از اعضای پانل خواسته می‌شود تا در خصوص هر یک از معیارها، یکی از گزینه‌های موافقم، نسبتاً موافقم و یا مخالفم را انتخاب نمایند. سپس برای هر معیار نسبت اعتبار محتوا با فرمول زیر محاسبه می‌شود (لاوشی، ۱۹۷۵):

$$CVR = \frac{ne - (\frac{N}{2})}{N/2}$$

که در آن ne تعداد پاسخ به گزینه موافقم و N تعداد اعضای پانل می‌باشد. حداقل میزان مجاز برای پذیرش هر معیار در مدل مشخص شده است. در این تحقیق تعداد اعضای گروه کانونی ۱۱ نفر می‌باشد، لذا حداقل مقدار CVR برای حفظ مضمون در مدل، $۰/۵۹$ می‌باشد. به این صورت که مضمون‌های با حداقل نسبت اعتبار محتوا (CVR) $۰/۵۹$ حفظ و مابقی رد می‌شوند. بنابراین از میان مضامین رایج شده به گروه کانونی، تمامی مضامین الگو مورد تأیید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی شامل مقررات‌گذاری و نظارت در این صندوق‌ها، نیازمند یافتن فاکتورهای اصلی و عوامل کلیدی تأثیرگذار در این فرآیند و برقراری ارتباط بین آنها می‌باشد. از این رو در این مقاله ابتدا سعی شده است که با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی، فاکتورهای اصلی مؤثر در ادبیات موضوع و نظرات خبرگان شناسایی شود که در نتیجه آن ۱۴ عامل انتخاب شدند. آن‌گاه با استفاده تکنیک ISM به عنوان یک روش کمی، ارتباط و توالی آن‌ها را به دست آوردیم.

مهم‌ترین یافته این تحقیق، استخراج شش سطح شبکه روابط بین مضمون‌ها بود که ارتباط منطقی با یکدیگر دارد و نشان می‌دهد اصلاح ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر صندوق‌های بازنشستگی، با توجه به پیچیدگی و اثرپذیری از طیف متنوعی از ذی‌نفعان نیازمند رویکردی جامع و فراگیر است.

نتایج تحقیق بیانگر آن است که سه فاکتور «نبود نهاد ناظر مستقل»، «بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی» و «عدم توجه سیاست‌گذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی - اقتصادی بین صندوق‌ها» زیربنای اصلاح ساختار تنظیم‌گری در صندوق‌های بازنشستگی ایران می‌باشند. این امر بدان معنا است که برای اصلاح ساختار تنظیم‌گری باید از این فاکتورها شروع کرد که در نتیجه آن، زمینه برای مدیریت سطح بالاتر یعنی «مقاومت ذی‌نفعان با نفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها» فراهم می‌شود تا بتوان عامل سطح بعدی یعنی «اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها» به عنوان ضرورتی در ساختار نظام تأمین اجتماعی کشور را محقق نمود و این رویه تا دستیابی به اهداف سطح اول شامل «رعایت اصول و محاسبات بیمه‌ای در سیاست‌گذاری حوزه بازنشستگی»، «اصلاح نظام جامع مدیریت و ساماندهی منابع» و نیز مدیریت «ریسک اجتماعی اصلاح ساختار تنظیم‌گری» ادامه پیدا کند. نتایج نشان داد اگرچه عامل بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی از عوامل زیربنایی در اصلاح ساختار مقررات‌گذاری و نظارت بر این صندوق‌ها است، اما با توجه به درجه قدرت نفوذ و نیز درجه میزان وابستگی، در گروه متغیرهای خودمختار قرار می‌گیرد و اثر آن بر پویایی سیستم محدود خواهد بود.

همچنین عوامل با توجه به نتایج به دست آمده از جدول MICMAC عواملی که در سطح اول الگوی ISM قرار گرفتند به علاوه عامل «ایفای تعهدات دولت به صندوق‌ها»، چهار عاملی هستند که به عنوان خروجی اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌ها شناخته شده است و نمی‌توان اصلاح ساختار را منوط به تحقق این عوامل نمود. لذا تأکید بیش از حد بر آن‌ها جهت اصلاح ساختار تنظیم‌گری توصیه نمی‌گردد. این متغیرها، متغیرهای کنترل هستند که باید به صورت مداوم پایش و رصد شوند تا بتوان وضعیت تأثیر اصلاح ساختار تنظیم‌گری در صندوق‌های بازنشستگی را از تغییر این متغیرهای مستقل پایش نمود.

نتایج جدول MICMAC نشان می‌دهد «نبود نهاد نظر مستقل» عاملی است که بیشترین نفوذ و اثرگذاری را بر سایر عوامل دارد. این نتیجه در کنار قرار گرفتن

این عامل در سطح ششم و سطح مبنایی الگوی ISM بیانگر ضرورت شکل‌گیری یک نهاد ناظر مستقل بر صندوق‌های بازنشستگی جهت اصلاح ساختار تنظیم‌گری در این صندوق‌ها است. در مقابل عامل «پایین بودن رشد اشتغال رسمی» اگرچه می‌تواند بر منابع صندوق‌ها اثرگذار باشد اما کمترین نفوذ و کمترین میزان وابستگی را در ارتباط با سایر عوامل مؤثر بر اصلاح ساختار دارد.

همچنین با توجه به نتایج تحقیق «ایجاد پایگاه جامع و شفاف اطلاعاتی»، «درهم‌تنیدگی صندوق‌ها با سایر اجزای سیستم مالی»، «رعایت اصل سه جانبه‌گرایی»، «تفاوت مقررات بیمه بین صندوق‌ها» و «سرانجام» اجرای ساختار سه لایه‌ای صندوق‌ها» با قرار گرفتن در بخش متغیرهای پیوندی نشان می‌دهند که با توجه به نقش هدایتگری و نیز وابستگی به سایر عوامل، تغییر در آن‌ها بر کل سامانه اصلاح ساختار تنظیم‌گری صندوق‌های بازنشستگی اثرگذار خواهد بود.

عوامل «عدم توجه سیاست‌گذاران به تفاوت ماهیت اجتماعی-اقتصادی بین صندوق‌ها» و «مقاومت ذی‌نفعان با نفوذ در برابر اصلاح ساختار صندوق‌ها» نیز عواملی دارای خاصیت اهرمی به شمار می‌آیند.

نتیجه این تحقیق مؤید پژوهش‌هایی است که ایجاد مقام ناظر مستقل صندوق‌های بازنشستگی را از ضروریات اصلاح ساختار تنظیم‌گری در این صندوق‌ها می‌دانند. تحقیقات جلیلی (۱۳۸۸)، روشا و همکاران (۱۹۹۹)، بانک جهانی (۲۰۰۳) و راجکومار (۲۰۱۲) جزو این دسته از پژوهش‌ها قرار می‌گیرند.

در پایان با توجه به اینکه برای عبور از بحران صندوق‌های بازنشستگی کشور نیازمند اصلاح ساختار تنظیم‌گری (مقررات‌گذاری و نظارت) در این صندوق‌ها هستیم، بر اساس یافته‌های مطالعه‌ی حاضر پیشنهاد می‌گردد نهاد ناظر تنظیم‌گری به صورت واحد مستقل جهت اصلاح روند سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری در صندوق‌های بازنشستگی در کشور ایجاد گردد تا با مقررات‌گذاری و نظارت صحیح متولی اصلاح ساختار مقررات‌گذاری و نظارت در این صندوق‌ها گردد.

منابع

- ابراهیمی، ایلناز؛ همتی، مریم. (۱۳۹۷). نقش و اثرگذاری صندوق‌های بازنشستگی در ثبات مالی اقتصاد ایران؛ لزوم شکل‌گیری مقام ناظر احتیاطی. پژوهشکده پولی و بانکی، مقاله سیاستی.
- احمدی، سیدعلی اکبر؛ درویش، حسن. ن؛ سبحانی فر، محمد جواد؛ فاضلی کبریا، حامد. (۱۳۹۳). طراحی و تبیین الگوی مفهومی شایستگی شایستگی‌های منابع انسانی در نهج البلاغه با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون و ISM.
- امیری، مجتبی؛ محمودی، وحید؛ راغفر، حسین؛ پروندی، یحیی. (۱۳۹۵). بررسی نظری-تطبیقی نظام‌های تأمین اجتماعی: مسیریابی توسعه نظام سه لایه تأمین اجتماعی ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی سیاستگذاری عمومی، صص ۲۸-۹.
- بادینی، حسن. (۱۳۸۷). جستاری نقادانه در نظام حقوقی تأمین اجتماعی. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۴) ۳۸، صص ۵۷-۸۸.
- بت‌شکن، محمدهاشم؛ چهارم‌حالی، حسن؛ صالحی‌فر، محمد. (۱۳۹۶). درآمدی بر اصلاحات و خصوصی سازی صندوق‌های بازنشستگی، تهران: انتشارات دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء، تهران.
- پژوهشکده بیمه. (۱۳۹۵). طرح پژوهشی بررسی سازوکار ارائه ارایه خدمات تأمین اجتماعی در کشورهای منتخب. به سفارش بیمه مرکزی، شماره ۵۷.
- پناهی، بهرام. (۱۳۷۶). اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول، تهران.
- پورموسی، علی اکبر. و خالقی، رضا. (۱۳۹۳). ایجاد تعادل بین منابع و مصارف طرح‌های بازنشستگی با استفاده از دانش اکچوئری. فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، (۱۰) ۳.
- جلیلی، طیبه. (۱۳۸۸). اولویت اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تسهیل اجرای سیستم چندلایه در صندوق بازنشستگی کشوری. پایان پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی گرایش بیمه، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جلیلی، طیبه. (۱۳۸۸). سرمایه سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی - الزامات

- و تجارب جهانی. واحد تحقیقات و مطالعات بیمه‌ای، مؤسسه حسابرسی، صندوق بازنشستگی کشوری.
- جلیلی، طیبه؛ مسلمی، رضا. (۱۳۹۳). شناسایی و اولویت اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تسهیل اجرای سیستم بازنشستگی چندلایه. نشریه پژوهشنامه بیمه، (۱۱۴).
- چهارم‌حالی، حسن. (۱۳۸۸). امکان امکان‌پذیری ایجاد صندوق بازنشستگی خصوصی در ایران با مطالعه چند کشور منتخب. پایان‌پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی‌طباطبائی.
- خان‌خان‌محمدی، هادی. (۱۳۹۳). طراحی الگوی مشارکت شهروندی در مدیریت دولتی مبتنی بر تعالیم نهج‌البلأغه. رساله دکتری مدیریت دولتی به راهنمایی دکتر رضا واعظی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- روشنی، کلثوم. (۱۳۹۵). نظارت بر صندوق صندوق‌های بازنشستگی. معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی. تهران.
- روغنی‌زاده، مصطفی. (۱۳۸۷). چالش‌های نظام بازنشستگی ایران، فصلنامه تأمین اجتماعی، (۲۹) ۹.
- زاده‌غلام، زهرا. (۱۳۹۰). مراجع نظارت بر بازنشستگی‌های خصوصی چه ویژگی‌ها و ویژگی‌هایی بایستی داشته باشند؟ اصول پیشنهادی IOPS. واحد تحقیقات و مطالعات بیمه‌ای، مؤسسه حسابرسی، صندوق بازنشستگی کشوری.
- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. (۱۳۹۲). <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>
- شفیعی شفیعی‌سردشت، جعفر؛ گرجی‌گرجی‌ازندریانی، علی‌علی‌اکبر؛ فاضلی‌فاضلی‌نژاد، جواد. (۱۳۹۷). کژتابی مفهومی نظارت در نظام حقوقی ایران. مجله حقوق اداری، (۱۶)، صص ۸۸-۶۳.
- صادقی‌صادقی‌شاهدانی، مهدی. و محسنی، حسین. (۱۳۹۲). بایسته‌ها‌های نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. مطالعات اقتصاد اسلامی، (۲) ۵، پیاپی ۱۰.
- صفر، محمدجواد. (۱۳۷۹). آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از اصلاحات، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- صفری، محمد. (۱۳۹۵). بازطراحی طرح‌های بازنشستگی خصوصی ترکیبی در ایران مبتنی بر فقه امامیه و پویایی سیستم. رساله دکتری، رشته مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق.
- طاهری طاهری‌بهروز، اسمعیل؛ حاجی‌حاجی‌قربانی‌دولابی، مریم. (۱۳۹۵). حکمرانی خوب در سازمان‌های تأمین اجتماعی. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی.
- عبداله‌عبداله‌میلانی، مهنوش. (۱۳۸۰). تأمین تأمین اجتماعی و آثار توزیعی آن بر اقتصاد ایران. پایان‌پایان‌نامه دکتری رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه

طبائطباطبایی.

فلاحتی، علی؛ دل انگیزان، سهراب؛ انصاری، محمدعلی. (۱۳۹۶). مدل سازی و تحلیل راهبردی بحران بازنشستگی در ایران با رویکرد نظریه بازی ها. نشریه علمی- پژوهشی بهبود مدیریت، سال یازدهم، ۱۱ (۱)، پیایی ۳۵، صص ۹۲-۶۱. قاسمی قاسمی زارع، سمیرا. (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با سلامت اجتماعی بازنشستگان، مطالعه موردی: بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی شهر تهران. پایان پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه برنامه ریزی رفاه اجتماعی، دانشگاه دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی طباطبایی.

گزارش صندوق بین‌المللی پول در موضوع صندوق‌های بیمه بازنشستگی. (۱۳۹۶). مترجمین: طاهری طاهری بهروز، اسمعیل؛ حاجی حاجی قربانی دولابی، مریم. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت امور اقتصادی و برنامه برنامه ریزی. گلاب، سمانه. و مختارزاده، صمد. (۱۳۹۷). مروری اجمالی بر قوانین حاکم بر صندوق‌های بازنشستگی در ایران. گروه مطالعات رفاه و تأمین اجتماعی، موسسه مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا.

لطیفی، میثم؛ عبدالحسین عبدالحسین زاده، محمد. و آذرفر، امیر. (۱۳۹۵). طراحی الگوی جانشین‌پروری در سازمان‌های دولتی از طریق کاربست مدل‌سازی ساختاری-تفسیری. نشریه مدیریت سازمان‌های دولتی، مقاله ۲، (۴) ۴. صص (پیایی ۱۶). صص ۳۳-۵۰.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۶). بررسی وضعیت سازمان تأمین اجتماعی و ضرورت اصلاحات بنیادی در آن (علل و اقدامات فوری مورد نیاز). معاونت پژوهش‌های اجتماعی فرهنگی، دفتر: مطالعات اجتماعی، کد موضوعی: ۲۱۰، شماره مسلسل: ۱۵۵۶۹.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۴). نگاهی بر قانون‌گذاری بخش رفاه و بیمه‌ها (بازنشستگی و درمان) در هشت دوره مجلس شورای اسلامی (رفاه بهزیستی و کمیته امداد) بیمه درمان، تأمین اجتماعی، قوانین بودجه و برنامه). دفتر مطالعات اجتماعی، کد موضوعی: ۲۱۰، شماره مسلسل ۱۴۶۲۹.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶). اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح کارآمدسازی و ارتقای مدیریت صندوق‌های بازنشستگی». دوره دهم، سال دوم ۱۰ (۲)، کد موضوعی: ۲۱۰، شماره مسلسل: ۱۵۵۳۳.

ملا محمدی، روح اله. و مستوفی، محمدرضا. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر مؤثر بر موفقیت سازمان تأمین اجتماعی در برقراری مستمری بازنشستگی (مطالعه موردی: بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی شعبه یک قم). مدیریت فرهنگ سازمانی، (۲) ۱۲، صص ۳۲۳-۲۹۹.

منصور، جهانگیر. (۱۳۷۹). مجموعه مجموعه‌ی قوانین با آخرین اصلاحات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات آگاه.

منوچهری راد، رضا. (۲۰۱۶). فرموله کردن خط مشی نهاد سازی در حوزه تنظیم تنظیم‌گری قوانین سازمان‌های بیمه گر اجتماعی. مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش صندوق صندوق‌های بازنشستگی تنگناها و راهکارها. موسسه مؤسسه عالی پژوهش تامین تامین اجتماعی، صص ۱۳۷-۶۸.

منوری، حسین. و راسخ، محمد. (۱۳۹۶). سبک‌های تنظیم بازار مالی در ایران و انگلستان. فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سرمایه سرمایه‌گذاری، انجمن مهندسی مالی ایران، (۲۲) ۶. صص ۱۶۴-۱۴۷.

میر، سیدجواد؛ گنجیان، مهدی. و فروهش فروهش‌تهرانی، غلامرضا. (۱۳۹۳). چالش‌ها و راهکارهای صندوق‌های بازنشستگی در ایران (مطالعه موردی صندوق بازنشستگی جهاد کشاورزی). فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، (۲۷)، صص ۱۳۹-۱۱۱.

نادران، الیاس؛ آقا نظری، حسن. و حسینی، سیدرضا. (۱۳۹۱). الگوی تامین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین. معرفت اقتصاد اسلامی، ۳ (۲) سال سوم، شماره دوم، پیاپی ششم، صص ۵-۲۸.

هزارجریبی، جعفر. و امامی غفاری، زینب. (۱۳۹۸). بررسی تحولات سیاست‌گذاری رفاهی مسکن در ایران (۱۳۵۸-۱۳۹۲). (۳۸) ۱۰، صص ۱۲۰-۷۶.

یاوری، وحید. (۱۳۹۱). طراحی مدل مفهومی مدیریت عملکرد سازمانی برای سازمان اوقاف و امور خیریه. رساله دکتری مدیریت دولتی به راهنمایی دکتر شمس السادات زاهدی. دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

یوسفی قلعه قلعه‌رودخانی، محمدعلی. (۱۳۹۶). بررسی چالش‌های صندوق بازنشستگی و ارائه راهکارهای عملی. رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، (۱).

زارعی، عظیم؛ ایزدخواه، محمد مهدی. (۱۳۹۴). الگوسازی ساختاری - تفسیری نقشه استراتژی در شرکت مادر تخصصی. پژوهش‌های مدیریت در ایران، (۳) ۱۹.

اصلی پور، حسین؛ زرگر، محمدرضا. (۱۳۹۷). تحلیل ساختاری - تفسیری عوامل مؤثر مؤثر بر پذیرش خدمات عمومی الکترونیکی نوآورانه در ایران. چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۳۵.

Beetsma, R., Lekniute, Z., and Ponds, E. (2014). Reforming American public sector pension plans: Truths and consequences. *Rotman Int. J. Pension Manag*, 7 (2), pp 66-74.

Bolanos, R., Emilio, F., Alfredo, N., and Pablo, P. (2005). Using interpretive structural modelling in strategic decision-making groups. *Management Decision*, 43(6), pp, 877 - 895.

Boyatzis, R. E. (1998), *Transforming qualitative information: thematic analysis*

- and code development. Sage.
- Braun, V. and Clarke, V. (2006). –Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, . (3) 2. pp, 77-101.
- Claudio Raddatz and Sergio L. Schmukler. (2008). Pension Funds and Capital Market Development. How Much Bang for the Buck? The World Bank Development Research Group Macroeconomics and Growth Team.
- Daneva, I. (2009). Regulation of pension fund investments in Bulgaria-developments and trends. E-Journal “Dialogue.”
- Gentzoglaniss, A. (2007). Financial integration and competitiveness in Middle East and North Africa countries. *Managerial Finance*, . (33)7. pp, 461-476. Permanent Link to this document: <http://dx.doi.org/10.1108/03074350710753744>.
- Guba E. G., and Lincolne Y.S. (1982). Epistemological and methodological bases of naturdistic inquiry. *Educational Communication and Technology Journal*; . 30(4). pp: 233-252.
- Holzmann, R. (2002). A World Bank Perspective on Pension Reform. World Bank Press.
- Hu, Yu-wei. (2006). Pension reform in china (a case study). Economics and finance discussion papers, Economics and finance section, school of social science, Brunel University.
- International Monetary Fund (IMF). (2016). Global financial stability report. www.imfbookstore.org or www.elibrary.imf.org .
- IOPS (2015). Pension trends and the changing supervisory landscape. 29-30 October, Berlin, Germany.
- Kelly, Sonja E. (2016). WHY FINANCIAL INCLUSION POLICY AND REGULATION? Faculty of the School of International Service of American University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in International Relations.
- Kogut, B., and Spicer, A. (2002). Capital market development and mass privatization are logical contradiction. *Industrial and corporate change*, Vol. 11. pp , Number 1, PP 1-37.
- Kolmakov, S. V. (2019). Analysis Of Administrative Regulations For The Provision Of Public Services Of The Pension Fund Of The Russian Federation, Business Strategies, And Real Economy Publishing House.
- OECD. (2015). ANNUAL SURVEY OF INVESTMENT REGULATIONS OF

- PENSION FUNDS. www.oecd.org.
- OECD. (2019). ANNUAL SURVEY OF INVESTMENT REGULATIONS OF PENSION FUNDS. [http://www.oecd.org/daf/fin/private-pensions/2019-Survey-Investment-Regulation-Pension-Funds ..pdf](http://www.oecd.org/daf/fin/private-pensions/2019-Survey-Investment-Regulation-Pension-Funds..pdf)
- OmotayoJohncally, A., and Bankole, A. (2019), on mathematical models for pension fund optimal selection strategies, AMERICAN JOURNAL OF ECONOMICS AND BUSINESS MANAGEMENT, . (2) 4. pp, 2576-5973.
- Rajkumar, S. (2012). Pension Fund Management at the World Bank. Financial Advisory and Banking, World Bank Treasury, Washington DC, treasury.worldbank.org.
- Rocha, R., Hinz, R. and Gutierrez, J. (1999). Improving the Regulation and Supervision of Pension Funds: Are There Lessons From the Banking Sector? Social Protection Unit, Human Development Network, the World Bank, No. 9929.
- Seidman, L. J. (2006). Neuropsychological functioning in people with ADHD across the lifespan. Clinical Psychology Review, . (20) 26. pp, 466–485.
- Stewart, F. (2010). Pension Funds' Risk-Management Framework: Regulation and Supervisory Oversight, OECD Working Papers on Insurance and Private Pensions, No. 40, OECD publishing, © OECD. Doi: 10.1787/5kmlcz7qq3zx-en.
- THE INTERNATIONAL ORGANISATION OF PENSION SUPERVISORS (IOPS). (2010). IOPS PRINCIPLES OF PRIVATE PENSION SUPERVISION.
- The World Bank. (2003). Islamic Republic of Iran the Pension System in Iran: Challenges and Opportunities. Middle East and North Africa, Social and Human Development Group (MNSHD), (In Two Volumes) Volume I: Main Report, Report No. 25174-IR.
- Willis Towers Watson and Thinking Ahead Institute (2017), Global Pension Assets Study. Executive Summary .